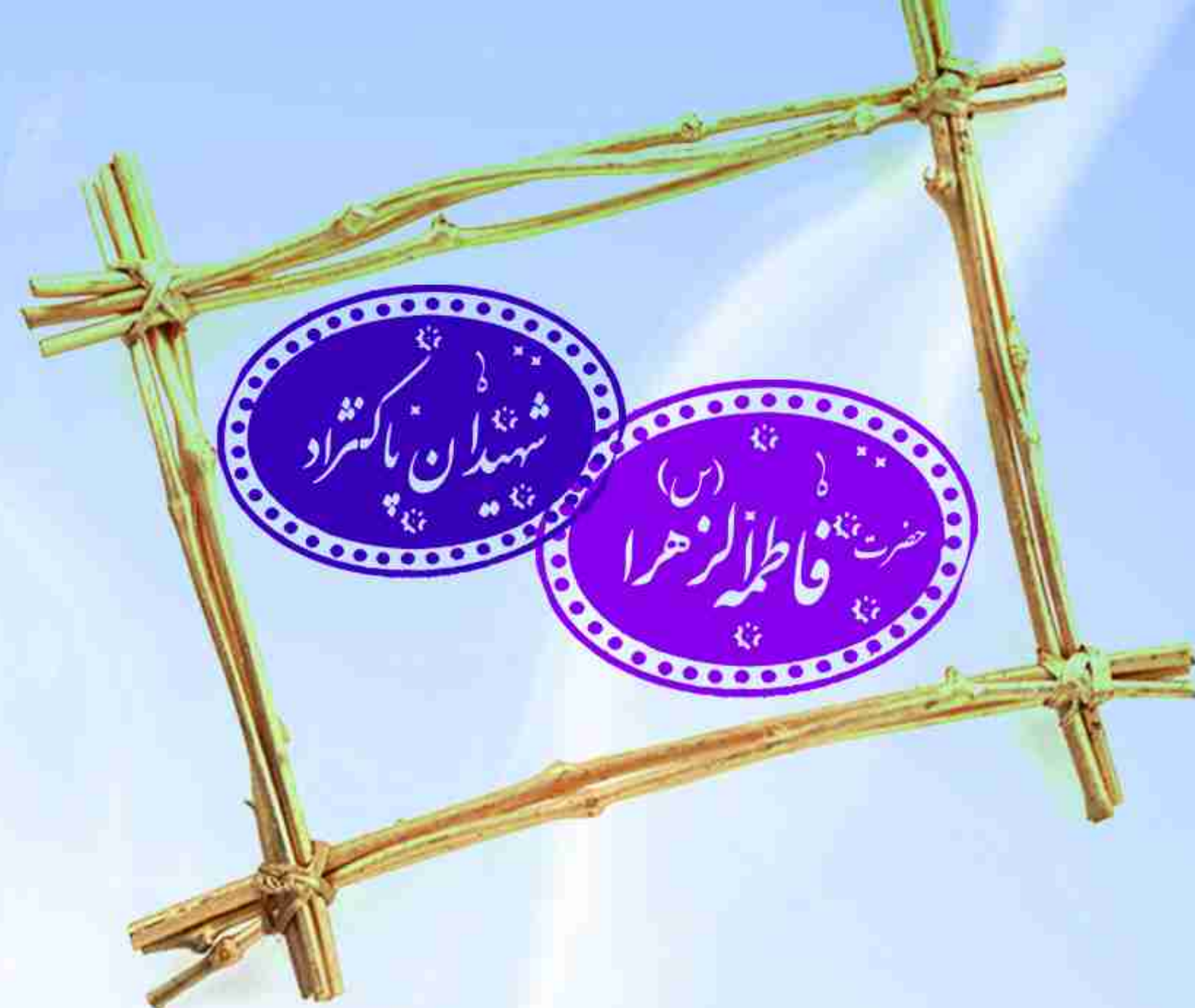


نشریه فرهنگیان یزد

سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۴
دانشگاه فرهنگیان یزد

دایگان

قیمت: ۳۰۰۰ تومان



نشریه فرهنگیان یزد

نظارت: حسین زاده



قُلِّبْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا

بگو: پروردگارا علم مرا افزون کن.

كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءُ الْعِلْمِ فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ بِهِ

فضای هر ظرفی در اثر محتوای خود تنگ تر می شود مگر ظرف دانش که با تحصیل علوم، فضای آن بازتر می گردد.

نهج البلاغه، ص ۵۰۵



دانشگاه فرهنگیان خیلی مهم است؛
اینجا شخصیت معلمان ساخته میشود.



دانشگاه فرهنگیان یزد



سرکار خانم دکتر ناظمیان

جناب آقای دکتر رضایی اردانی



نهاد رهبری در دانشگاه فرهنگیان یزد

حجت الاسلام والمسلمین خراسانی

نشریه تربیون آراء و نظرات نویسندگان است و انتشار نقطه نظرات نویسندگان لزوماً به معنای تأیید آن توسط نشریه نیست

مسئولین نشریه فرهنگیان یزد

مدیر مسئول:

علی اصغر شریفی نعمت آباد

سردبیران اصلی:

زهره شایق، محمد جابر سالاری گوهرریزی

مشاور:

محمد حسن لاله زاری، نوشین رجب زاده

مدیران هماهنگی:

سجاد ساردویی، زهره جعفری

مدیر اجرایی:

جابر ممیز الاشجار

مدیر مالی:

محمد مهدی رفیعی مجومرد

مدیر پشتیبانی:

سید محمد رضا میر دهقان

جذب تبلیغات:

مجتبی طاقداری اردکانی

دبیران هیات تحریریه:

حجت دهقانی فیروزآبادی، مریم بهزادی

روابط عمومی:

سید محمد علیرضایی میبدی، زهره فاضل یزدی

ایده پرداز:

امین تیموری

گزارشگر:

فاطمه اعظم

عکاسان:

ایمان برزگری بنادکوک، مریم رئیسی نافچی

تیم طراحی و گرافیک:

محمد عسکری، مصطفی عادل، سعید جعفری، مائده نعمت

اللهی، حسین فلاح مدواری، نفیسه حسین زاده، فائقه جهانگیری، علیرضا

دهقان طزرجانی

سردبیران بخش ها:

محمد حسین غریب (علمی و پژوهشی)، میلاد شریفی (سیاسی)، محمد

امین میمندیان (هنری)، علی عباس پور بحرانی (طنز)، میلاد

اکرمی (فناوری)، علی دهقانی (مذهبی)، حسین آخوندی (سخن بزرگان)،

فریمه کاظمیان (ادبی)، فاطمه آقا عسکری (ویژه نامه نهاد رهبری)،

زهره عبدلی سخویدی (فراخوان)، پریسا کارگریان (روانشناسی)، سیده

اللهه طباطبایی (مهارت های معلمی)، شهره عامری (فرهنگی)، هما زارع

(سلامت)

تیم الکترونیک:

محمد رضا دهقانی فیروزآباد، سید علیرضا پور مسجدی، مصطفی

غمخوار، فاطمه شهبازیان، صادق آشنا، سجاد صادق زاده

تیم ویراستاری:

میلاد شجاعی نیری، ابراهیم کاشفی، سید مصطفی موسوی، مهشید واعظ،

فریده حسینی خواه

تیم تایپیست:

محمد صادق کریمی میمونه، مصطفی دهقانپور فراشاه، مریم دبیلی

مصاحبه گران:

مجتبی غلامی زارچ، عاطفه خلیلی

مسئولینی که در این شماره مارا یاری نموده اند:

برادران

احمد شیرزاد، علیرضا مصباح فر، محمد رضا قانع، علی محمد فرجیان، محمد کاظم رحیمی نژاد، عباس سلمانی، عباس موحدی نسب، محمد علی غنی،

سید عباس حسینی، محمد حسن زارعیان

خواهران

خانم زنبق، خانم محمودی، خانم سلیمی

همکاران ما در نشریه الکترونیک:

برادران

محمد حسام سالاری مقدم، محمد صادق محسنی، پرویز پرکی، محسن پور احمدی، محسن ابراهیمی پور، سید علیرضا حسینی نسب

خواهران

زهره اکرمی، حدیث عسکر نوه، الهام مظاهری، مریم زارع زاده، مریم انصاری، عارفه اسدی، طاهره نصاری، منصوره السادات محسنی الحسینی،

طوبی دهوری، فاطمه هدایتی فر، عارفه اسدی، فریبا شهبازی، عاطفه کریمی، مریم درویشی، فریده جهان تیغ، فاطمه غفاری، ریحانه درویشی،

فاطمه هادی پور، حانیه کارگریان، فخرالسادات حسینی، فرزانه بیاتی، سمیرا آزوج، مریم حیدری، مریم محمدی، عاطفه دهقانی، بهاره ایلچی خانی،

افسانه دهقان، فاطمه ابراهیمی نژاد، محبوبه ریسی

با تشکر از مسئولین مدارس ابتدایی: دخترانه احرامیان و پسرانه صالحی و شاهد



ادبی

سیاسی

هنری

مذهبی

فرهنگی

علمی پژوهشی

سلامت

فناوری

مهارت معلمی

ظواهر

۳.....	سخن سردبیر
۴.....	دم بعضی ها گرم.....
۴.....	مردی از تبار خاطره ها.....
۵.....	حرف های ناگفته.....
۵.....	نقل خاطره.....
۶.....	تدریس اخلاق مدار، رسالتی بی بدیل.....
۷.....	اگر من به جای معلم خود بودم چه می کردم.....
۸.....	تب سلفی.....
۹.....	تست طنز دانشجویی.....
۱۰.....	اهمیت تغذیه.....
۱۰.....	ورزش برای کودکان.....
۱۱.....	چکیده مقالات.....
۱۲.....	هنری.....
۱۳.....	دوربین معلم.....
۱۴.....	معرفی سایت.....
۱۵.....	تدریس سنتی در مدارس هوشمند.....
۱۶.....	مصاحبه.....
۱۷.....	اول از همه.....
۱۷.....	دانشجو و آرمانگرایی.....
۱۸.....	تقلب.....
۱۹.....	از معلم خوب چه انتظاری داریم.....
۱۹.....	اختلال املا.....
۲۰.....	راه حل های افزایش جایگاه اجتماعی معلمان.....
۲۱.....	ریشه یابی بی اخلاقی سیاسی.....
۲۲.....	ویژگی های معلم پرورش دهنده خلاقیت.....
۲۲.....	تحلیل نقاشی کودک.....
۲۳.....	نقش بازی در یادگیری.....
۲۴.....	معرفی کتاب.....
۲۴.....	فراخوان.....
۲۴.....	دمی با شهرزاد.....

نسخه الکترونیک: www.farhangianyazd.ir
رایانامه: yazd_farhangian@yahoo.com
کانال تلگرام نشریه: [@farhangian_yazd](https://t.me/farhangian_yazd)



سخن سردبیر

نگاه مهربان تو به بلندای آسمان، به طراوت خورشید، به سبزی سبزه ها، به شکوه ماه، به عظمت گل سرخ و به زیبایی ترنم عشق است.

من در نگاه تو، نگاه پر از شور و شوق، عشق و خدایی تو، بهشت را به نظاره می نشینم.

من در پرتو زندگی بخش نظاره ات تا آسمان هفتم پرواز می کنم.

اگر روزی تو را ببینم دستان را غرق بوسه می کنم، با تو سرود عشق سر می دهم.

دل می خواهد عبای محمدی ات را لمس کنم، عمامه سبزه را ببوسم.

بوی علی می دهد، بوی زهرا، بوی تابوت تیرباران، بوی حسین می دهد، بوی حنجره بریده با تیر سه شعبه را، عبای تو بوی آن چادر خاکی را می دهد که در کوچه های بنی هاشم مدینه بر زمین افتاد و عرش خدا را لرزاند. به تو خواهم گفت:

مهدیا ای مرد بارانی، ای سروقامت به یاد ماندنی

تو را همیشه عزیز می دارم و تا ابد زیر پرچم تو خواهم ماند.



مشغوفیم که با استعانت و تفضلات پروردگار مهربان، اندیشه های گروهی بزرگ و همدل، در قالب دومین شماره فصلنامه

فرهنگیان یزد متبلور گشت، چرا که اعتقاد داریم که گمشده ما در قلم است و نه در درم.

متواضعانه آگاهیم که در این مسیر کامل نیستیم و حریصانه در پی بهتر شدنیم.

هرآینه، اگر حضور بی نظیر شما عزیزان، در کنار ما نبود، کاری با این کیفیت و گستردگی، ممکن نبود.

همان گونه که از ما دانشجو معلمان، انتظار رقم زدن فصلی تازه در پیکره آموزش و پرورش می رود، برآنیم که این فصلنامه

را به عرصه ای مستدام و اثرگذار برای اشاعه تفکر و اعلام موجودیت مان، بدل نماییم. ما به نظام ارزشی خود پای بندیم و در

اینجا قلم می زنیم تا جریان بسازیم. ما عشق را به زنجیر قلم می کشیم. وظیفه ما بسی سنگین است. در این راه پر تلاطم،

چشم امید به یاری شما عزیزان داریم. مسلماً هیچ اتفاقی نخواهد افتاد، مگر اینکه خودمان بخواهیم.

رجاء واثق داریم که با اراده و ظرفیت هایی که در دانشجو معلمان و فرهنگیان عزیز، وجود دارد، می توانیم منشأ اثر و جریان

ساز باشیم.

در اهمیت جایگاه ما همین بس که می گویند:

پای خود را همیشه جای پای معلمت بگذار، او هیچگاه، راه را اشتباه نمی رود.





دم بعضی‌ها گرم

می‌دانی چیست؟
 بعضی‌ها؛ شبیه یک انجیر رسیده می‌مانند
 که یکهو؛ از آسمان می‌افتند در دامن رنگ و وارنگ زندگی‌ات...
 آن قدر بی‌هوا که اصلاً نمی‌دانی چه شد... چگونه شد...
 اصلاً خودت را می‌زنی به بی‌خیالی و از بودنش لذت می‌بری...
 بعضی‌ها؛ شبیه عطر بهار نارنجی هستند
 در کوچه پس کوچه‌های پیچ در پیچ دلت. نفس می‌کشی...
 آن قدر عمیق؛ که عطر بودنشان را تا...
 آخرین ثانیه عمرت؛ در ریه‌ها ذخیره کنی...
 بعضی‌ها؛ شبیه ماهی قرمز کوچکی هستند که :
 افتاده‌اند در تنگ بلورین روزگارت؛
 جانت را با جان و دل در هوایشان، تازه می‌کنی...
 بعضی‌ها، اصلاً چرا باید از در و دیوار مثال بزنیم؟
 بعضی‌ها؛ آرامش مطلق‌اند؛ لبخندشان... تلالؤ برق چشمانشان؛
 صدای آرامش‌شان... اصل کار، تپش قلب‌شان...
 انگار که یک دنیا آرامش را به رگ و ریشه‌ات تزریق می‌کند...
 ... و آن قدر عزیزند... که خداوند
 کل بهشت را یک جا گذاشته زیر پای‌شان...
 بعضی‌ها؛ بودن‌شان... همین ساده بودن‌شان...
 همین نفس کشیدن‌شان؛ یک عالمه لبخند می‌نشانند روی گوشه لبمان...
 اصلاً خدا؛ در خلقت بعضی‌ها؛ سنگ تمام گذاشته است...
 سایه‌ات کم نشود، بانوی زندگی من... مادر...

مردی از تبار خاطره‌ها

امین آخوندزادگان

چای ریخته است نه برای تو، یک فنجان فقط برای خودش.
 می‌نشیند کنار پنجره و یک دل سیر نبودنت را نگاه می‌کند.
 باران هست، آسمان هست.
 هنوز هم پاییز که می‌شود روی برگ‌ها که راه بروی صدای خش خششان به گوش می‌رسد.
 هنوز هم بهار که می‌شود، بلبل برای شقایق آواز می‌خواند.
 هنوز هم زمستان که می‌شود، درختان نارنج روی حیاط با آن چادر نماز سفیدرنگشان تماشاگردنی‌اند.
 هنوز هم عید که می‌شود، از تلویزیون موسیقی پخش می‌شود، بوی عیدی، بوی عود، بوی کاغذرنگی...
 هنوز هم محرم که می‌شود
 زمزمه‌ی حسین حسین شنیده می‌شود از همان کوچه پس کوچه‌های قدیمی شهر
 که روزی احیا کننده خاطرات بودند و حالا خودت از تبار خاطره‌هایی برایشان.
 هنوز هم زندگی هست...
 من و مادر هنوز نفس می‌کشیم.
 شاید باور نکنی پدر حتی گاهی می‌خندیم بدون تو
 باورت می‌شود؟
 باورم نمی‌شود...
 فرناز شریفی فرد



نقل خاطره از جانباری قطع نخاع

حرف با ناکفته

یک روز خانومم برای کاری به منزل مادرشون رفتند و دختر سه سالمو در منزل پیش من گذاشتند. من هم گفتم ایراد نداره، کاری که نداره، بازی می‌کنه. مادرش هم زود بر می‌گرده. در ادامه این سردار بزرگوار با بغض تعریف می‌کردند: دخترم از کمد قدیمیون وسایل مادرشو در می‌آورد و به صورت بازی مثلاً به من می‌فروخت. می‌گفت: بابا این کیف رو مثلاً صد تومن می‌خری، منم خریدار بودم. بازی که تموم شد وسایل رو برداشت ببره داخل کشو کمد بذاره. چون توان بستن کشو رو نداشت، دو دستی با تمام توانش کشو رو بست و چون خیلی با قدرت انجام داد، متوجه نشد؛ چهار تا انگشتش موند لای کشو. من متوجه شدم صدای جیغ دختر سه ساله داره میاد. دائم صدا می‌زد بابا انگشتام! بابا گیر کرده! منم که قطع نخاعی بودم فقط می‌تونستم سرم رو بچرخونم. از دور فقط گریه می‌کردم. دخترم از تو اتاق جیغ می‌زد و منم رو تخت فقط اشک می‌ریختم. چون کاری از دستم برنمیومد. بعد از مدتی، دخترم متوجه شد از این بابا که یه روزی قهرمان تکواندو بوده در اردبیل، الان کاری برنمیاد. به زور خودش با تقلا انگشتاشو بیرون کشید و اومد کنار تختم. دیدم پوست انگشت کوچولوش کنده شده بود. یه نگاه به من کرد بعد با زبون کودканه‌اش گفت: بابا! چرا هرچی صدات می‌زدم بابا کمکم کن، نیومدی؟ بابا دیگه باهات قهرم. سردار پایان این خاطره بغضش را قورت داد و چشماش ...

فرزانه شکوهی فرد

هرگز ننوشت آن چه برازنده‌ی توست

تاریخ که تا همیشه شرمنده‌ی توست

ایشان، وفا، عشق، عمل، آینه، صبر

این‌ها همه محتوای پرونده‌ی توست

خواب دیدم می‌رسی از راه، عاشق می‌شوی
حرف‌هایم ناتمام...، ناگاه عاشق می‌شوی
می‌نشینی روبه‌رویم واژه‌ها گل می‌کنند
شعرهایم را بخوان، گهگاه عاشق می‌شوی
فرق من با تو همین یک سجده‌ی طولانی است
کافر دیوانه‌ی گمراه! عاشق می‌شوی؟
بی‌دلیل این قصه را این قدر طولانی نکن
من که می‌دانم تو با یک آه، عاشق می‌شوی
در غزل‌ها گرچه یک معشوق سرسختی، ولی
آخرش با مصرعی کوتاه، عاشق می‌شوی...

مهديه دهقانی

روزها می‌گذرد، و هر روز قشنگ تر از دیروز، دیروزی که دانش-آموز بودیم و امروز دانشجو معلم هستیم و به نظر خودمان افتخاری برای خانواده و هم‌چنین در درون خود احساس شادی داریم که من معلم می‌شوم و ملبس به جامه‌ی معلمی خواهم شد، اما تا به حال به این فکر کرده‌ام که چگونه معلمی خواهم شد؟

در دوران دانش‌آموزی به چشم می‌دیدم معلمانی را که با جان و دل زحمت می‌کشیدند تا دانش‌آموزان، مفاهیم را به خوبی یاد بگیرند و در زندگی به آن عمل کنند و در مقابل هم معلمانی بودند که نه تنها از شغل معلمی لذت نمی‌بردند بلکه فقط بر حسب عادت روزانه درس خود را می‌دادند.

اما آن چه امروز در خاطر من دانشجو معلم مانده است آن است که من هم در آینده همانند آن‌ها خواهم شد یا نه؟

چه کار کنم که تدریس برای رضای خدا باشد که وقتی کار با نام خالق بشریت شروع شد، دیگر آن کار مبارک خواهد شد و وقتی کلام معلم کلام، الهی شد دیگر به دل دانش‌آموز می‌نشیند، چرا که می‌گویند اگر حرف از دل بلند شود به دل می‌نشیند.....

می‌گویند، معلمی شغل انبیاست و ما دانشجو‌ها به خود می‌بالیم که خداوند خواست تا در شغل معلمی باشیم، اما به نظرم هنوز شغل معلمی را به درستی درک نکرده‌ایم.

چرا که وقتی می‌توان فلسفه‌ی معلمی را فهمید که مثل معلمان کشور های توسعه یافته روزی حداقل پنج ساعت مطالعه آزاد داشته باشیم، مثل مولای متقیان علی (ع) به تهذیب روح پردازیم.

اما چه می‌شود که من اطلاعات علمی زیادی ندارم و نتوانستم هنوز روح خودم را صیقل معنویت بدهم و به چه امیدی می‌خواهم فرزندان مردمی را که با شور اشتیاق کودکان خود را رهسپار مدرسه می‌کنند را تعلیم و تربیت کنم. مگر می‌شود استاد، خود علم نداشته باشد اما شاگرد به علم برسد.

این دل نوشته را تذکر دادم به خودم که هیچ چیز نمی‌دانم و شاید خواستم همین الان با برنامه ریزی شروع کنم ولی ای خانم معلم و ای آقا معلم بزرگوار، هدف این دل نوشته آن بود

که به خود بیاییم و ببینیم که کجای کار هستیم و بعد از ۳۰ سال خدمت به وجدانمان چه پاسخ‌هایی را خواهیم داد.
ان شاء الله همگی سرلوحه‌ی کارمان، مولای متقیان علی- (ع) باشد.

علی یوسفی



مهدي معلم بشریت



تدریس اخلاق مدار؛

رسالت‌بے‌بدیل...

به نام دانای محرم راز و توانای بنده نواز.

در جست و جوی مطلبی زیبا برای شما عزیزان، پرنده نا آرام ذهنم را در قفس تنگ تن به پرواز در آوردم تا از کالبد مادی جانم بگذرد و در دشت معنا دیباچه ای زیبا برای سخن بیابم؛ که به ناگاه در سراچه قلبم دوباره در بند شد و مضمونی شگرف یافت که دیگر وی را تاب پرواز نماند. مضمون عمیقی که مدت هاست ذهن کنجکاو مرا در گیر و قلب کوچکم را ملتهب کرده است و آن چیزی نیست جز اخلاق؛ که جاودانه ترین پیام رسول مهر و دوستی بود و هدف بعثت خویش را اتمام مکارم اخلاق می دانست.

در پستوی قلبم به کنکاش پرداختم تا ببینم چگونه محتوای ذهن جسورم را برای شما بر بوم سفید کاغذ نگاره کنم؛ که سؤالی به ذهنم متبادر شد. از خود پرسیدم که آیا تدریس اخلاق به فراگیران بدون حضور ارزش های اخلاقی در خودم و بدون متصف شدن من درون به این ارزش ها دارای و جاهت کامل می باشد؟ به هر حال با پیچیدگی های زیاد و ظریفی در مسیر پاسخ به این سؤال مواجه شدم که آیا تدریس محتوای اخلاقی در غیاب تدریسی اخلاق مدار از من، می تواند شاهد مقصود را در برگیرد و رسالت عظیمی که بر دوش گرفته ام را به احسن وجه به انجام رساند؟

ذهنم در چالش پاسخ گویی به این سؤالات بود که آموزشگری را تصور کردم که نمی داند چگونه شواهد مهم منش و رفتار اخلاقی را در آموزش خود به کار بندد. وقتی او تلاش می کند محتوای اخلاقی را در برنامه خود بگنجانند ولی اخلاق در رفتارش نمود ندارد، چه چیزی خروجی تدریس و عملکرد وی خواهد بود؟ به نظر غیر محتمل است که این برنامه درسی موفقیت آمیز باشد. سپس کمی منطقی تر به قضیه نگاه کردم؛ به وضوح

دریافتم که رفتار اخلاقی یک پیش نیاز مهم برای دستیابی به یک محتوای اخلاقی اثربخش است؛ در غیر این صورت آموزشگر در شرایط مشابه فردی قرار می گیرد که معترف است می خواهد هدفی اخلاقی را به دانش آموزان درس بدهد درحالی که رفتار و منش وی تنها بر اساس محفوظات او از مواد درسی است و اخلاق در وجود خودش متبلور نشده است. حتی فراگیران کم سن و سال هم این فریبکاری و تناقض را در رفتار و گفتار وی متوجه می شوند و به ندرت درس وی را جدی می گیرند؛ چه برسد به دانش آموزان متوسطه و قشر فرهیخته دانشجویان عزیز.

بحث مطمح نظر خویش را از دیدگاه موسع آن نیز مورد کنکاش قرار دادم؛ متوجه شدم که ما انسان ها، بعضی اوقات در قضاوت هایمان نیز با شاخص هایی قضاوت می کنیم که فقدان آن ها را به وضوح در وجود خود یافته ایم. در جایی خوانده بودم که برتولد برشت گفته است: «دو چیز انسان را از پای در خواهد آورد؛ سوداگری و قضاوت». وه که چه زیبا گفته است؛ ما انسان ها مدام در حال قضاوت در مورد دیگرانیم و خود نیز در حال قضاوت شدنییم. قضاوت می کنیم آدم هایی را که از بهترین دوستان و همکاران ما بوده و یا هستند، از روی حدس و گمان؛ از روی خیال؛ از روی شاید، اما و اگر؛ و متأسفانه گاهی از روی بخل و حسادت ... بدون این که لزومی برای این کار باشد؛ بدون این که از خود قضاوت شونده سؤالی بپرسیم و پاسخش را بشنویم. گاه یک طرفه و در محکمه خصوصی و پر از ظن و تردید ذهن خودمان کسانی را محکوم می کنیم به اشد مجازات؛ یعنی به انکار همه محاسن و اثبات همه معایبشان... به بی اعتنایی به تجربه های گران سنگ و عدم احترام به روحیات و عواطفشان. این چنین است که گاهی خواسته یا ناخواسته و به زخم دروغ، فریب، تهمت و افترا؛ سر سربلندان را به زیر کشانده و قامت افراخته شان را خم می سازیم تا خود دیده شویم؛ غافل از

این که خداست که بر آشکار و نهان و آن چه در سراچه قلوب ما می گذرد، آگاه است. بیچاره کسی که از دادگاه غیر رسمی مرام و معرفت ما گذر کند و پرونده اش به دست قاضی وجدان ما بیفتد، با همین میزان فهم، تجربه و دانش اندک خود، چنان محکوم، مطرود و مغضوبش می خواهیم که اگر روزی بر حسب اتفاق گذرش به کوی ما بیفتد، در عجب می شویم که چرا او همچنان برقرار است و به چوب طعنه و تکفیر ما از پای در نیامده است.

لازمه آموزش اخلاقی پایدار در معنای واقعی آن؛ متصف بودن آموزشگران به اصول و مبانی اخلاقی و رعایت آن است. مدعا و استدلال این نوشتار، دلالت ها و پیامدهای مهمی برای تربیت معلم، پژوهش در تربیت معلم و نکته ای قابل تأمل و تدبیر برای طلایه داران تعلیم و تربیت در دانشگاه فرهنگیان دارد، که از نیازمندی های ساده آموزشگران برای داشتن منش اخلاقی یا داشتن رفتار اخلاقی به شکلی خاص فراتر می رود. این دلالت ها و پیامدها شامل بینش های ارزشمندی می شوند از قبیل این که: چگونه آموزشگر با مسائل اخلاقی در کلاس درس و در فضای آموزش مواجهه داشته باشد؟ یا چگونه این قبیل مسائل اخلاقی را با منش اخلاقی خود به کلاس درس و محیط آموزشی القاء و تزریق کند؟ یا چگونه منش و رفتار اخلاقی را به روش های تدریس و الگوهای آموزشی مرتبط کند؟ تعمق بیشتر درباره این مطلب را به شما عزیزان واگذار می کنم.

شاد؛ سبز و سرافراز باشید
عباس موحدی نسب
اول اسفندماه نود و چهار





اگر من به جای معلم خود بودم چه می کردم؟



ما دانشجویان به عنوان معلمان آینده اغلب فکر می کنیم برای توفیق در حرفه خود، مطالعه‌ی مطالب و مقالات گوناگون در این حیطه، کفایت می کند، غافل از این که گر چه این مطالب گاهی اوقات می توانند کارساز باشند اما ما باید در ابتدا با انتظارات دانش آموزان خود به عنوان افرادی که قرار است بر جان و روح آنان تأثیر بگذاریم آشنا شویم. اگر ما بدانیم که کودکان چه کسی را بهترین معلم تلقی می کنند گام بلندی در مسیر پیشرفت و تغییر خود برای رسیدن به آن برداشته ایم. دانش آموزان ابتدایی برخلاف تصویری که ما در ذهن خود از آن ها داریم بسیار دقیق در مورد معلم خود قضاوت می کنند. ما اطلاعات بسیار جالب و مفیدی را در چهار حیطه ی نوع رفتار معلم و ارتباطش با دانش آموزان، روش های تدریس معلم، روش های تشویق و تنبیه دانش آموزان، محورها و حوزه های تدریس در قالب انشایی با موضوع «اگر من به جای معلم خود بودم چه می کردم؟» به دست آورده ایم که در زیر به طور خلاصه اشاره می کنیم.

۱- نوع رفتار معلم و ارتباطش با دانش آموزان

- **صمیمیت و محبت:** فراگیران علاقه مندند معلمشان با آن ها رفتاری توأم با محبت و صمیمانه داشته باشد و همیشه شاد و سرحال در کلاس حاضر شود تا به راحتی بتوانند خواسته ها و سؤالاتشان را بیان کنند.

- **عدالت:** بسیاری از دانش آموزان از بی عدالتی معلمان خود گله دارند و می خواهند معلم در همه ی زمینه ها (انتخاب نماینده برای کلاس، پرسش از دانش آموزان، محبت کردن و ...) به همه به یک چشم نگاه و عدالت را همیشه در کلاس برقرار کند.

- **صبر و شکیبایی:** یکی از مهم ترین ویژگی های یک معلم است که از منظر دانش آموزان هم پنهان نمانده است. آن ها معتقدند معلم باید در رفتارش با دانش آموزان میزان صبر خود را بالا ببرد و حتی الامکان از اشتباهات کوچک بگذرد. بسیاری از دانش آموزان از این که معلمشان آن ها را جلوی بقیه تحقیر می کند گله مند بوده و انتظار دارند در صورتی که اشتباهی از آن ها سرزد به تنهایی به خودشان تذکر بدهد.

- **احترام به دانش آموزان:** دانش آموزان می خواهند که معلم به آن ها احترام بگذارد و در بعضی از مسائل با آن ها مشورت و از نظراتشان بهره مند شود.

- **نظم و انضباط:** نظم و انضباط معلم یکی دیگر از مسائلی است که دانش آموزان نسبت به آن حساس بوده و از نظر آن ها معلم باید به موقع در کلاس درس حضور یابد و نسبت به وظیفه ی خود مسئولیت پذیر باشد. دانش آموزان، معلم با برنامه را از بی برنامه تشخیص می دهند و پیشنهاد می کنند که معلم برای انجام کارهایش یک برنامه ریزی داشته باشد.



۲- روش تدریس معلم:

اکثر دانش آموزان علاقه مندند که معلم تا حد امکان در تدریس از روش های نمایشی و بازی استفاده کند؛ و در بعضی از دروس از تصاویر و اشکال متناسب با آن بهره بگیرد. علاوه بر این، معتقدند که آموزش به روش مشارکتی و گروهی باعث تعامل بیش تر آن ها با دوستانشان و افزایش یادگیری می گردد. موضوعی که اکثریت دانش آموزان از معلم هایشان انتظار دارند این است که تا زمانی که از یادگیری آن ها در یک درس اطمینان حاصل نکرده به آموزش درس جدید نپردازد.

۳- روش های تشویق و تنبیه:

همه ی ما به نقش تشویق در افزایش انگیزه ی کودکان واقفیم. دانش آموزان دبستانی تمایل دارند هنگامی که به سؤالی پاسخ درست داده و یا کار پسندیده ای انجام می دهند از جانب معلمشان تشویق شوند. برخی از آن ها معتقدند که اگر از آن ها اشتباهی سر زد معلم می تواند به عنوان تنبیه، از آن ها بخواهد کتاب داستانی را خلاصه و در کلاس برای دوستانشان تعریف کنند.

۴- محورها و حوزه های آموزش:

معلم باید راه و رسم درست زندگی کردن را به دانش آموزان نشان دهد، همچنین باید آگاهی های لازم در مورد کشورشان و شهدا به آن ها بدهد، به روش های مختلف اصول دین را آموزش داده و آن ها را به خواندن نماز اول وقت و تلاوت قرآن تشویق کند. او باید با توانایی های دانش آموزانش آشنا باشد، تا تکالیفی در حد توان به آن ها بدهد، همچنین به فعالیت های علمی و تحقیقاتی (فوق برنامه) اهمیت زیادی بدهد.

به قلم سیده الهه طباطبایی
و با همکاری خانم ها طایفی،
زارع زاده و رضانی





تب سلفی



اصولا خودبینی جزو ذات آدمیزاد است. اصلا خود خوشگل پنداری فوایدی هم داشته مثلا موجب اختراع آینه سپس هنر نقاشی و مجسمه سازی و بعدها انواع دوربین شد.

بیماری "من خوشگلم" ازونجا شروع شد که روزی انسان نئاندرتال داشت از شکار توله تیرانازاروس رکس برمیگشت که همون موقع یهوویی عکس خودشو تو برکه دید و ترسید. پس تصمیم گرفت بین خودش با حیاط وحش تفاوت ایجاد کنه. بعدترها که آینه اختراع شد این مهم به سرعت محقق شد و گذشت تا دوره ی نقاشی و پرتره اومد تو بورس. حالا دیگه مثلا مونالیزا کلی پول می داد به داوینچی، بعد چهار ماه روزی شیش ساعت عین بت می نشست رو صندلی و دوهفته آخرم هی لبخند میزد تا قیافه ش کشیده بشه و بزنه سینه ی دیوار و هی نگاش کنه به خودش افتخار کنه که من چقدر قشنگم فقط این مرتیکه داوینچی اینهمه پول گرفت آخرشم لبخندمو خراب کرد.

این دوره هم گذشت تا اینکه زد و دوربین اختراع شد

انقلابی که دوربین در پدیده ی خود زیبا بینی ایجاد کرد فاجعه ایست دیدنی. کافیه آلبوم عکسای حرمسرای ناصرالدین شاه رو ورق زد و اون هیکل هایی که به گوریل انگوری گفتن زکی ولی لباس رقص باله ی نی قلیون های اروپایی رو پوشیدن دید، تا برای همیشه از رقص باله، جوراب، عکس تکی، عکس دسته جمعی و ازدواج متنفر بشین.

اما به هرحال کسی که با دوربین عکس می گرفت نگه میداشت برای خودش و به چارتا فک و فامیلش پوز قیافه شو میداد اما...

با ورود تلفن های همراه دوربین دار و به دنبالش شبکه های اجتماعی بیماری "خود خوشگل پنداری" تبدیل به اپیدمی شد و به سطح بالاترینی مرض "بین من چه خوشگلم" ارتقا پیدا کرد.

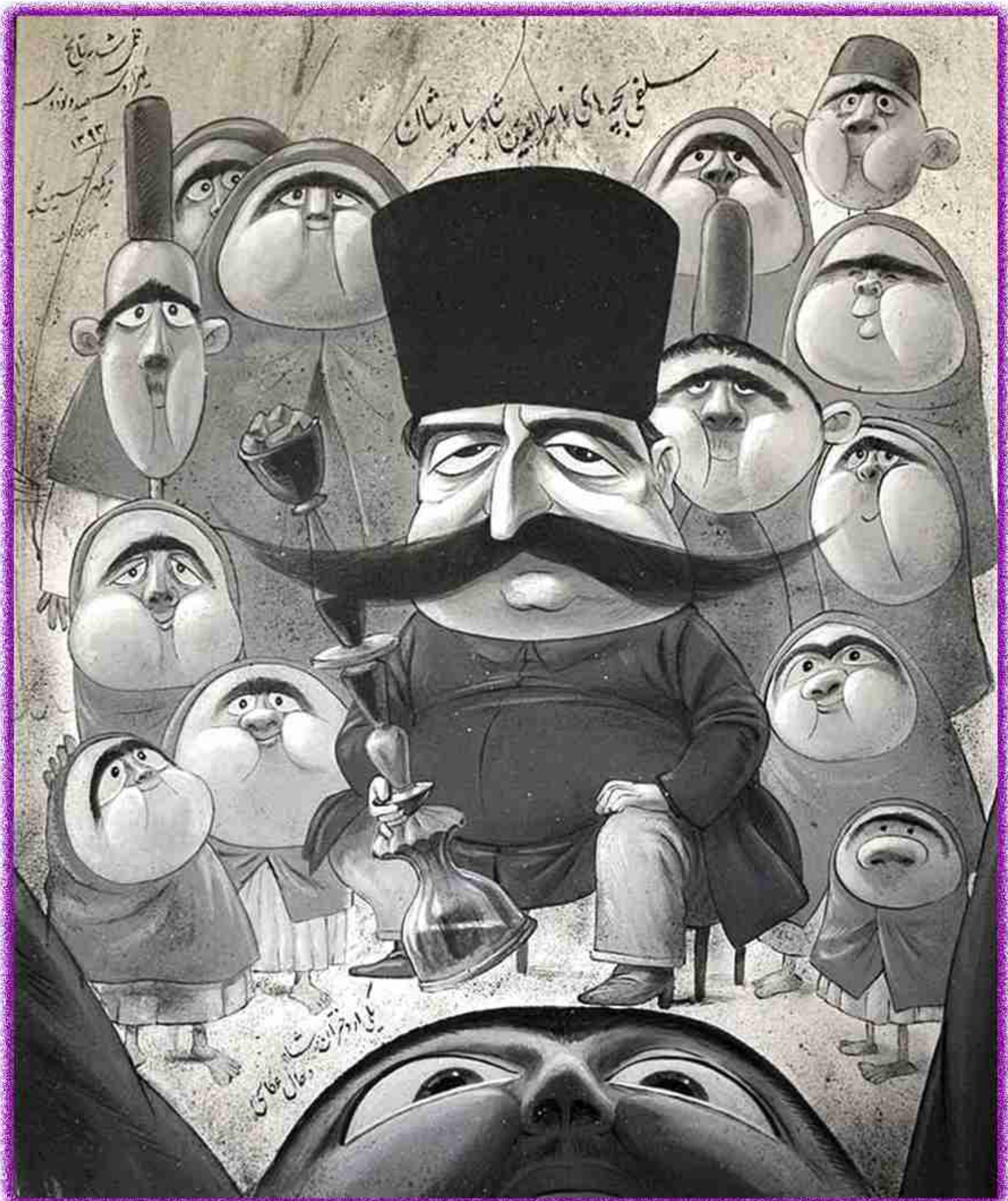
اینجا دیگه طرف عکسو واسه تولید ناخالص داخلش نگه نمیداره کلا میزنه تو کار صادرات.

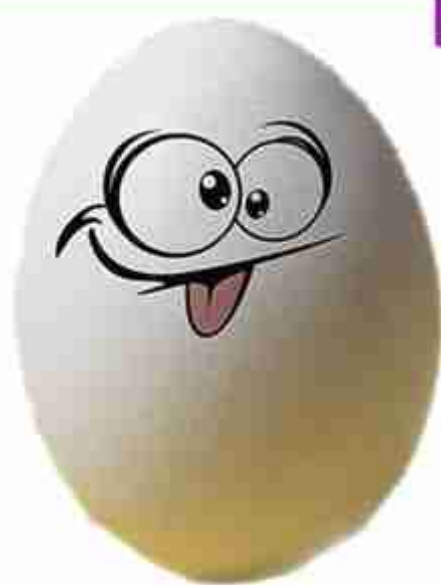
مثلا با بیست نفر میری رستوران تا غذا رو میارن یکی داد میزنه دست نزنین دست نزنین هرکی ندونه فکر میکنه لابد سوسکی موشی چیزی تو غذا دیده، بعد یهو گوشیشو درمیاره میگه بذار اول یه عکس بگیرم ازش، منو دوستام جوجه کباب همین الان یهوویی. خو مرده شور تو و دوستان و جوجه کباب رو یهوویی برن به ماچه آخه!؟

یا خانمه از اذان صبح تا ساعت هشت می شینه پای میز آرایش سه ونیم کیلو ملات ماله کشی میکنه به سر و صورت بعد یه عکس میگیره با کپشن همین اول صبح از خواب بیدار شدم یهوویی. هشتگ #نومیکاپ #no_makeup ما هم که گوشامون درازه لابد خبر نداریم!

مورد داشتیم طرف پارسال بهار دسته جمعی رفته بودن شمال و طبق معمول تو خزر غرق شده جنازه رو که درآوردن تو گوشیه ضد آبش یه سلفی گرفته بوده من و عزرائیل همین الان یهوویی! خلاصه اصن وضعی شده این ماجرا. مسولین مربوطه هم که رسیدگی نمیکنن اصن. کاش زیبایی درون را دریابد کسی.

محمد امین میمندیان





تست طنز دانشجویی

با این تست ما به شما دانشجوی عزیز، می‌گوییم که ورودی چه سالی هستید و تا چه مدتی از ترم بوقی بودنتون فاصله گرفتین. لطفاً در مین پاسخ دادن، چشم‌های خودتون رو ببندین و در محلی ساکت، با دقت به سؤال‌ها پاسخ بدین. اگر فدایی نکرده نتیجه‌ی تست با واقعیت شما مغایرت داشت، اصلاً به درستی تست شک نکنید، چون این تست ۱۰۰ درصد تضمینی اعلام شده و با استانداردهای روز یورو ۲۰۱۶ طراحی شده است.

پاسخنامه

الف

ب

ج

د



۱. زمان مشاهده قبولی‌تان در دانشگاه فرهنگیان تا شروع اولین ترم تحصیلی‌تان چه کردید؟
(الف) مدام زنگ می‌زدم آموزش پی‌انم (این دانشگاه قراره از کی باز شه.
(ب) رفتم عشق و حال!
(ج) تمام پنگاه‌های ماشین رو زیر پا گذاشتم تا اون ماشین رو که قراره با اولین حقوقم بخرم، انتخاب کنم.
(د) کدوم فاصله؟! نامردا نگذاشتن اصلاً نفس بکشیم.

۲. نظر شما راجع به واحدهای فرهنگی چیه؟

الف

ب

ج

د

(الف) یه سری واحدهای بی خودیه که به اجبار بهمون دادن و گفتن نمره داره ولی تا حالا ما که تأثیرش رو هیچ جایی ندیدیم.
(ب) ما نداشتیم (اما به نظرم اگر بود، خوب می‌شد. معلم هنرمند بار می‌اومد.
(ج) اینا که حقوق به ما نمیدن، حداقل با دو تا کلاس خط و خوشنویسی یکم هنر یادمون می‌دادن.
(د) اینی که گفتی چی هست اصلاً؟!!

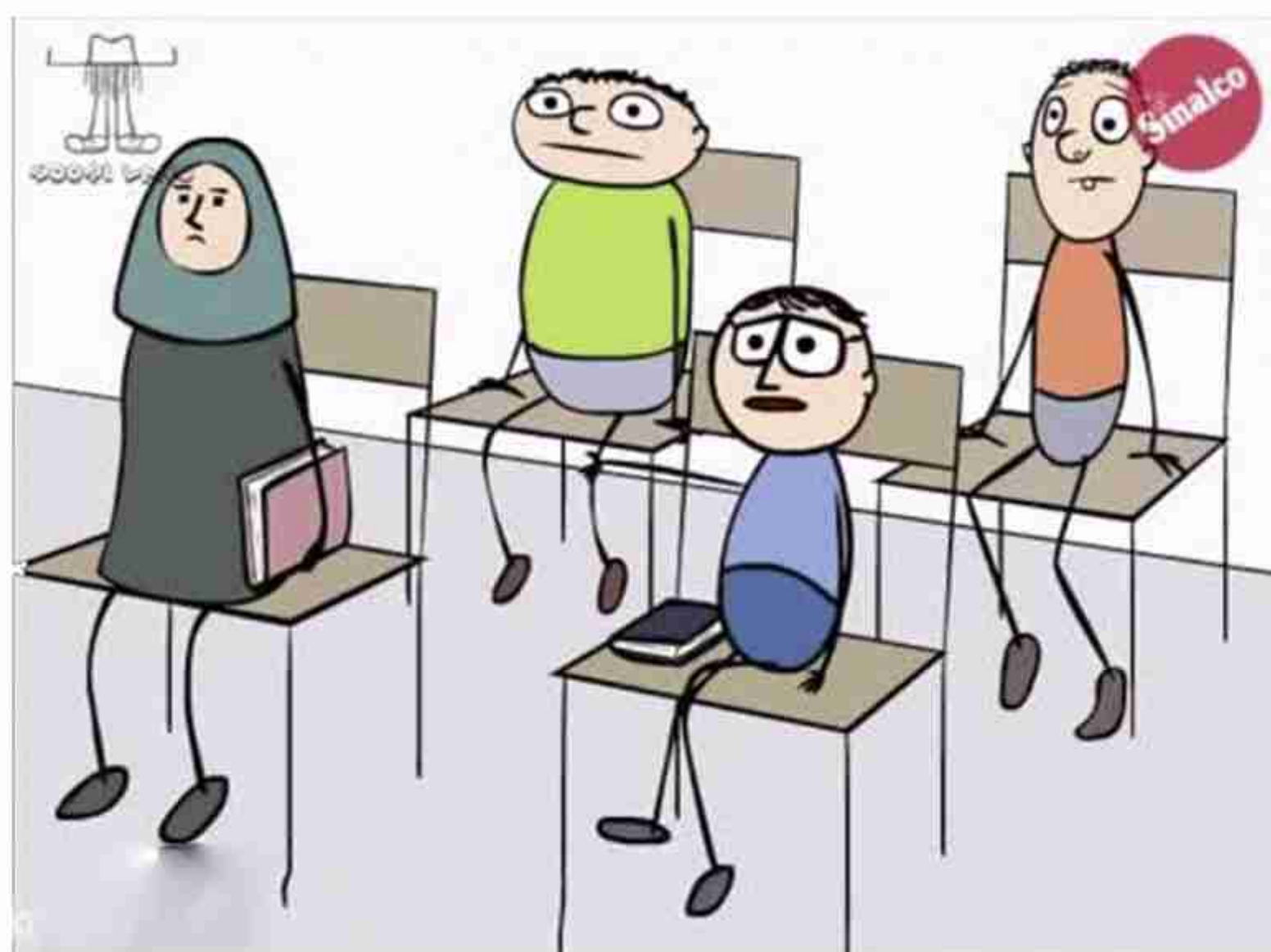
۳. تا حالا شده درسی رو به ترم بگذرونید و ترم بعد متوجه شدید کاملاً از چارت درسی تون حذف شده؟

الف

ب

ج

د



(الف) دست رو دلم نذار که مونه!
(ب) به حول و قوه‌ی الهی و همت مسئولین نه!
(ج) نه ولی چه اشکالی داره، آدم معجانی دو تا چیز یاد بگیره!
(د) چارت درسی چیه؟!!

۴. کدام ضرب‌المثل بیشتر گویای حال شماست؟

الف

ب

ج

د

(الف) شتر را گفتند، چرا گردنت کچه؟ گفت: کچایم راسته؟
(ب) سنگ بزرگ علامت نردنه.
(ج) یک مو کندن از خرس هم، غنیمت است.
(د) غوره نشده، مویر شده.

۵. تعریف شما از دانشجو معلم چیست؟

الف

ب

ج

د

(الف) موجودی است پیچیده، که مدام گزارش کارورزی می‌نویسد.
(ب) موجودی است نحیف و لاغر، که با حقوق خود تخم‌مرغ و گوچه می‌خرد و با آنها تغذیه می‌کند.
(ج) شخص پیچیده‌ای است که با هزار آرزو وارد دانشگاه می‌شود؛ سخت درس می‌خواند و حقوق نمی‌گیرد!
(د) فردی که به دنبال علم آموزی است تا به بهترین نحو ممکن علم بیاموزد.

نتیجه تست: برای گزینه‌های الف، ۱ امتیاز، گزینه‌های ب، ۲ امتیاز، گزینه‌های ج، ۳ امتیاز و گزینه‌های د، ۴ امتیاز لحاظ کن. اگر مجموع امتیازات شما ۵ شده است، ورودی ۹۱ می‌باشید. در سیستم آموزشی شما رو "موش آزمایشگاهی" می‌دونن، فواستین کنکور بدین به دانشگاه به لیست دانشگاهتون اضافه شد و شما رو فوشبخت عالم کرد. اگر مجموع امتیازهای شما ۱۰ شده است، ورودی ۹۲ می‌باشید. شما از اون دانشجویهایی هستید که آخر کلاس رو بهشت پنهان و نمره ده رو، شانسی زندگی می‌دونید. اگر مجموع امتیازهای شما ۱۵ شده است، ورودی ۹۳ می‌باشید. به شما لقب "معوقه" داده شده. سرتون مدام تو مساب و کتابه. هنوزم که هنوزم، نفهمیدید چرا پول پنت هاوس ها رو اونها با تمام امکانات رو از محققون کسر می‌کنند. اگر مجموع امتیازهای شما ۲۰ شده است، ورودی ۹۴ می‌باشید. "فوش‌شانس" لقب شماست. فقط به ایراد دارید؛ اونها ترم بوقی بودنتونه، که ایشالا با افزایش معلوماتتون و گشتن با سال بالایی‌ها مل میشه. اگر مجموع امتیازهای شما عددی غیر از اعداد بالا شده است، شما فردی بسیار ... می‌باشید!

مریم بهزادی



اهمیت تغذیه

کودکان ابتدایی، از نظر وضعیت تغذیه ای یکی از مهم ترین دوران های زندگی خود را می گذارند. تغذیه ناکافی می تواند در توانایی آنی یادگیری هر کودک در کلاس درس اثر بگذارد. بچه ای که صبحانه نخورده است، در ساعت ۹ تا ۱۰ صبح به میزان قابل توجهی دچار افت قند خون می شود و استعداد یادگیری او، به ویژه در درس هایی که به تفکر و اندیشه نیاز دارند، کاهش می یابد و باعث افت تحصیلی و بیزاری آنها از مدرسه نیز میشود.

انگیزش ضعیف، توجه ناکافی و ضعف در انجام کار در دست اقدام، می تواند در اثر گرسنگی باشد. به همین دلیل، عوارض بعضی از کمبود های تغذیه ای، در سنین مدرسه، غیر قابل جبران است. کودکان در سنین مدرسه، به خصوص در خانواده های فقیر، ممکن است به درجاتی از فقر آهن و کم خونی ناشی از آن مبتلا شوند. کمبود آهن و کم خونی ناشی از آن نیز منجر به کاهش میزان موفقیت در یادگیری تحصیلی می شود. (آزمی، ۱۳۷۵)

نارسایی های تغذیه ای در دوران رشد و تکامل می تواند توان یادگیری را در دوران بعدی زندگی نیز کاهش دهد.

تغذیه ی مناسب یکی از پیش شرط های یادگیری مناسب است. عدم تغذیه ی مناسب

از آن جا که حجم معده ی کودکان کوچک است لذا مرتباً نیاز به تغذیه دارند پس باید میان وعده های مناسبی را بخورند نه تنها برای اینکه تغذیه ی سالم و مناسبی داشته باشند بلکه این میان وعده ها در یادگیری آن ها نیز تاثیر بسیار زیادی دارد. و اگر او تغذیه ی مناسبی نداشته باشد خود را با خوردن تنقلات عادت داده و همین دلیلی برای کم اشتهاپی او برای ناهار نیز می شود. پس همین میان وعده های کوچک را جدی بگیریم.

آزمی سه ساری، (۱۳۷۵)، اثر سوء تغذیه بر آموزش و پرورش کودکان، تهران، انتشارات تربیت. سهیلی آزاد، ع، (۱۳۷۵)، سوء تغذیه و پروتئین-انرژی در کودکان، تهران، انتشارات تربیت.

معصومه زارع زاده



کودک در حضور موثر وی در کلاس و یادگیری او در مدرسه و در فرآیند تعلیم و تربیت تاثیر دارد. سوء تغذیه ی کودک او را از دریافت آموزش در بهترین شرایط، که حق اوست، محروم کرده یا آن را به تاخیر می اندازد. معمولاً در درس ریاضی نمرات کم تری کسب می کند. گرسنگی موقت باعث اختلال در درک مطلب می شود و هنگامی که سوء تغذیه با نخوردن صبحانه توأم باشد، اثر آن بر فعالیت های ذهنی بسیار عمیق تر از زمانی می شود که فرد یکی از عارضه ها را به تنهایی دارد.



نگرانی درباره ی میزان و نوع تغذیه ی کودکان موجب افزایش توجه به مگا ویتامین ها و سایر جنبه های رژیم غذایی کودک شده است. در این موارد کمک های دولتی و مردمی کار ساز خواهد بود. باید توجه داشت که هر چه سن کودک کمتر باشد، حل مشکل سوء تغذیه او از اولویت بیش تری برخوردار خواهد شد. (سهیلی آزاد، ۱۳۷۵)

ورزش برای کودکان

امروزه کودکان مدت زمان کمتری را به فعالیت های فیزیکی و ورزش اختصاص می دهند و بیشتر به تماشای تلویزیون و بازی های کم تحرک می پردازند. با توجه به رشد چاقی در دانش آموزان و عواقب و مشکلات ناشی از آن، از جمله بیماری های قلبی-عروقی، مشکلات اسکلتی-عضلانی، دیابت و... لازم است مربیان توجه ویژه ای به فعالیت کودکان و نوجوانان داشته باشند تا نسل آینده ما در این زمینه با بحران مواجه نشوند.

تربیت بدنی به عنوان بخشی از نظام تعلیم و تربیت از جمله مهم ترین دروسی است که در کسب و حفظ سلامتی دانش آموزان موثر است. بنابراین یکی از دغدغه های مهم امر تعلیم و تربیت علاقه مند کردن دانش آموزان به انجام فعالیت های ورزشی است. شادی بخش بودن فعالیت ورزشی و ترکیب آن با بازی ها سبب افزایش تمایل دانش آموز به ورزش کردن می شود. در این راستا سعی نمودیم با آوردن دو نمونه از شیوه های جذاب تدریس برای انجام حرکات تعادلی و کششی، گامی در جهت یاری رساندن به مربیان و به ویژه دانشجو معلمان در امر آموزش برداریم.

نمونه ۱ (از زبان مربی): «درست مانند درخت، صاف بایست. برای انجام این حرکت تعادلی، اول از همه وزن خود را روی پای راست بیانداز. حالا پای چپ را کنار ران پای راست بگذار. سعی کن از نوسانات بدنت جلوگیری کنی. حالا درخت تو نیاز به شاخ و برگ دارد. دست هایت را که بالا بیاوری یک درخت کامل می شوی. این حرکت را با پای دیگر هم انجام بده و سعی کن هر بار تعادلت را بیش تر از دفعه ی قبل حفظ کنی.»



نمونه ۲: «کوسه ماهی ها شناگران پر سرعتی هستند که چشم آن ها در آب های تاریک اقیانوس هم همه چیز را واضح می بیند. روی شکم دراز بکش و پاهایت را از زانو ها به هم بچسبان. حالا آن ها را به سمت سقف بالا بیاور مثل این که می خواهی دم کوسه ماهی را درست کنی.

حالا بازو هایت را به پشت ببر و انگشتانت را در هم قلاب کن. یک کشش خوب به بازو هایت بده و سعی کن بازو هایت را به پاهایت نزدیک کنی. در همین حال سرت را هم بالا بیاور. حالا مثل یک کوسه ماهی خودت را در اقیانوس تصور کن و پاهایت را به راست و چپ تکان بده.»

مینا قانع



اگر می خواهی پس از مرگ فراموش نشوی یا چیزی بنویس که قابل خواندن باشد یا کاری بکن که قابل نوشتن باشد. «بنجامین فرانکلین»



چکیده مقالات

میزان توجه کتب آموزشی ابتدایی به افزایش جمعیت

جابر ممیزالاشجار، علی قانع، سید مسعود وزیری

چکیده

مسئله این است که چه مقدار به افزایش جمعیت در کتاب‌های دبستان توجه شده است. در بعضی از کتب به صورت محدود به خوبی به این مسئله‌ی مهم توجه شده، اما در همه‌ی کتب به این گونه نیست. بررسی ما به صورت تجزیه و تحلیل می‌باشد و ما با این تجزیه و تحلیل متوجه شدیم، طراح‌های کتاب دبستان ایران زیاد به افزایش جمعیت توجه ندارند و این کار باعث می‌شود تا دانش‌آموزان با تصور این که فرزند کمتر زندگی بهتر مواجه شوند و این تصور حتی، باعث کم جمعیت شدن جوان‌های کشور شود که این می‌تواند زنگ خطری باشد.

واژه‌های کلیدی:

کتاب‌های دبستان، تجزیه و تحلیل، افزایش جمعیت

تأثیر برنامه درسی مبتنی بر دیدگاه تربیت‌منش و شخصیت توماس لیکن در جهت درونی کردن ارزش‌های دینی

امیر کاظمی

چکیده

عمق بخشیدن به آموزه‌های دینی، جوانان را از آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی مصون می‌دارد و به تبع آن شوق درونی و بصیرت باطنی در پرتوی اعتقاد و یقین حاصل می‌گردد. آموزش عالی باید به دنبال ایجاد زمینه، جهت رشد فضایل اخلاقی و تقویت بینش و مهارت دانشجویان و رشد همه جانبه‌ی متناسب با آموزه‌های دینی و پویایی فرآیند یاددهی - یادگیری در جهت نهادینه کردن ارزش‌های واقعی اسلامی گام بردارد. هدف از این مطالعه، تأثیر برنامه درسی مبتنی بر دیدگاه تربیت‌منش و شخصیت توماس لیکن در جهت درونی کردن ارزش‌های دینی دانشجویان معلمان دانشگاه فرهنگیان پردیس شهیدان پاک‌نژاد شهر یزد بوده است. این مطالعه به صورت نیمه تجربی و به روش پیش‌آزمون - پس‌آزمون در سال ۱۳۹۴ انجام شد و ۱۴۸ نفر از دانشجویان معلمان پسر به وسیله نمونه‌گیری تصادفی، انتخاب و به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. بعد از پیش‌آزمون، گروه آزمایش در برنامه درسی، شرکت کردند. تغییرات قبل و بعد دو گروه با آزمون رتبه‌ای علامت‌دار ویلکاکسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش، نشان داد که در همه‌ی ابعاد مربوط به تربیت‌منش و شخصیت، در جهت درونی‌سازی ارزش‌های دینی، تفاوت معنی‌داری بین دو گروه وجود دارد.

واژه‌های کلیدی:

درونی کردن ارزش‌های دینی، تربیت‌منش و شخصیت، دانشجویان معلمان.

راهکارهای ارتقای شایستگی اجتماعی معلمان ابتدایی

شهر یزد

فاطمه دشتی رحمت آبادی، آزاده جمالی‌زاده

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی شایستگی‌های مختلف معلمان بوده و سعی شده است که به طور ویژه شایستگی اجتماعی آنان مورد بررسی قرار گرفته شود. هم‌چنین بررسی میزان شایستگی اجتماعی معلمان ابتدایی شهر یزد و یافتن عوامل مؤثر در جهت ارتقای آن انجام گرفته است. این پژوهش از نوع توصیفی و ابزار پژوهش پرسش‌نامه محقق ساخته است که گروه نمونه، شامل ۴۰ نفر از معلمان مدارس شهر یزد بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. نتایج حاصل از بررسی این پژوهش نشان داد که معلمان ابتدایی شهر یزد از شغل خود راضی هستند و به آن افتخار می‌کنند و از منزلت اجتماعی متوسط رو به بالایی برخوردار می‌باشند. هم‌چنین از جمله عوامل مؤثر در ارتقای شایستگی اجتماعی معلمان ابتدایی، تربیت معلم و شیوه‌ی گزینش معلمان، رسانه، ارکان مهم دولتی و اصلاح مدیریت نیروی انسانی می‌باشد که در برنامه‌ریزی‌های آموزش و پرورش باید مورد توجه قرار گرفته شود.

واژه‌های کلیدی:

شایستگی اجتماعی، معلمان ابتدایی، تربیت معلم، راهکارهای ارتقا.

بررسی شیوه‌ی رفتار پیامبر(ص) با گروه‌های مخالف

محدثه شریفی

چکیده:

نظام کائنات بر محور مهر و محبت سیر می‌کند. اگر عشق و مهر و محبت نبود نه طلوعی بود و نه غروبی، نه بهاری و نه شگفتن. بنای تعامل و زندگی در منطق اسلام، چیزی فراتر از مدارا است، زیرا مدارا تحمل است. اما اسلام فراتر از این به تحمل همراه با مهرورزی دستور می‌دهد. در فرهنگ و سیره نبوی رفیق، مدارا، عفو و محبت و لطف پایه‌های رفتاری و نحوه سلوک پیامبر اکرم (ص) در برخورد با دیگران را نشان می‌دهد. از سوی دیگر رفتار و سیره پیامبر اکرم (ص) حاکی از آن است که پیامبر در دین خدا و اجرای احکام الهی هرگز سازگاری و سازش با احدی را برناتفت و دین خدا را با هیچ چیز مصالحه و مدهانه نکرد. پیامبر (ص) اصل اولیه برخورد خویش را با تمام مخالفان، بردباری و ملایمت قرار داده است. برقراری صلح و انعقاد پیمان‌نامه‌های بسیار بین پیامبر اعظم (ص) و مخالفان آن حضرت، دلیل تمایل شدید ایشان به مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز است. اما این اصل هرگز باعث نمی‌گردید که آن حضرت در برابر دشمنان کینه‌توز و توطئه‌گر، در هر شرایطی طبق همین اصل رفتار نماید؛ بلکه در صورت کشف توطئه دشمن، پیمان شکنی، تجاوز آن‌ها به مقر حکومت اسلامی و تهدید کیان اسلام، پیامبر (ص) نیز با قاطعیت و سخت‌گیری تمام رفتار می‌کردند. سیره نبوی بسان مشعلی بر سر راه رهبران و رهروان مسلم است پس باید در آن تأمل شایسته نمود تا از راز و رمز موفقیت پیامبر(ص) و صحابه کرام او بهره‌مند گشت.

کلمات کلیدی: پیامبر اعظم (ص)، سیره، مدارا، حکومت اسلامی، مخالفان



خطاطی فاطمه آقاسگری
نقش از فریماه کاظمیان

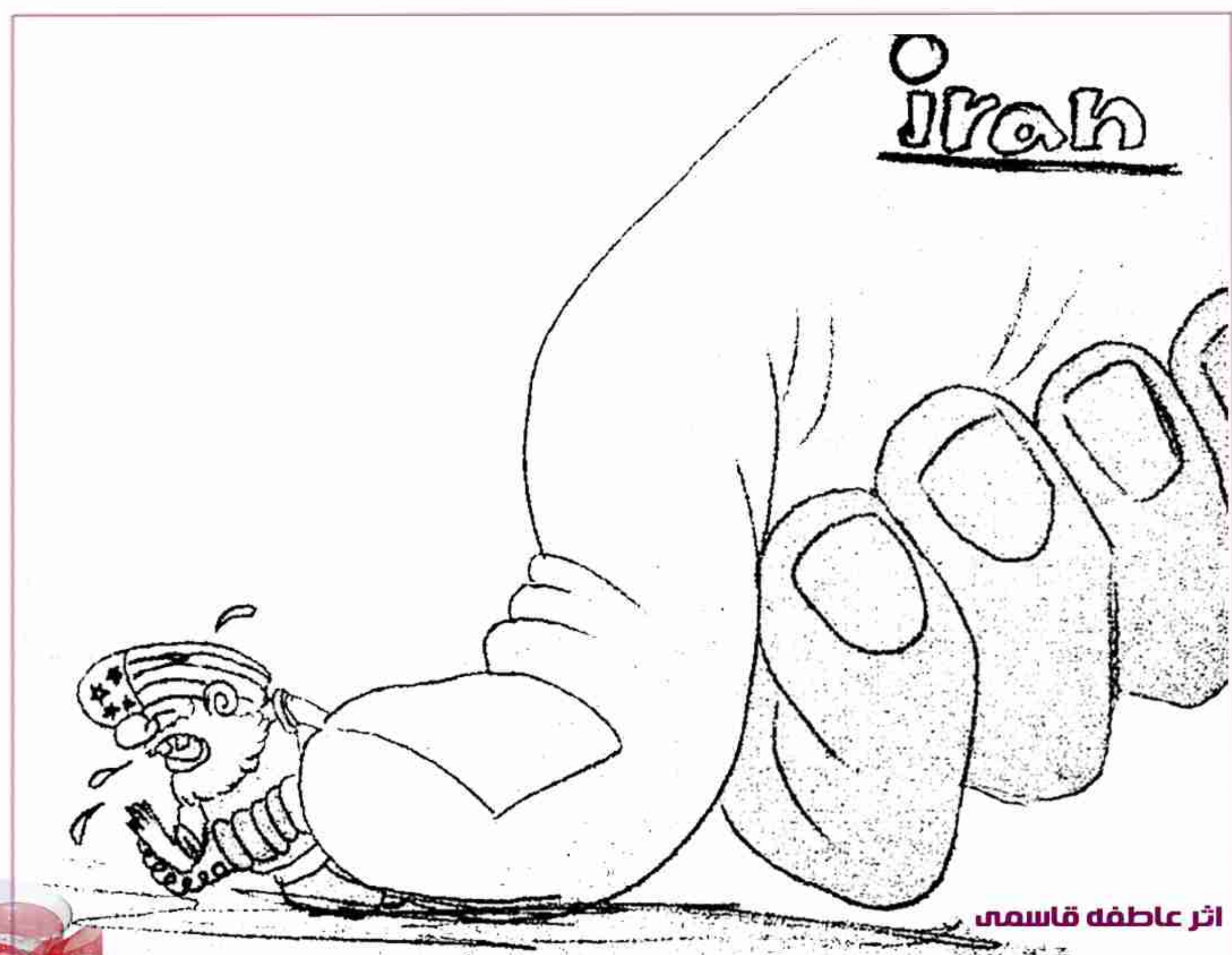
بیدار که دست منتهی بر خیزد
در این باغ ایلی بر خیزد

کیمی به سر راه قطاری مانده
ای کاشن بس دوباره ز غلی بر خیزد

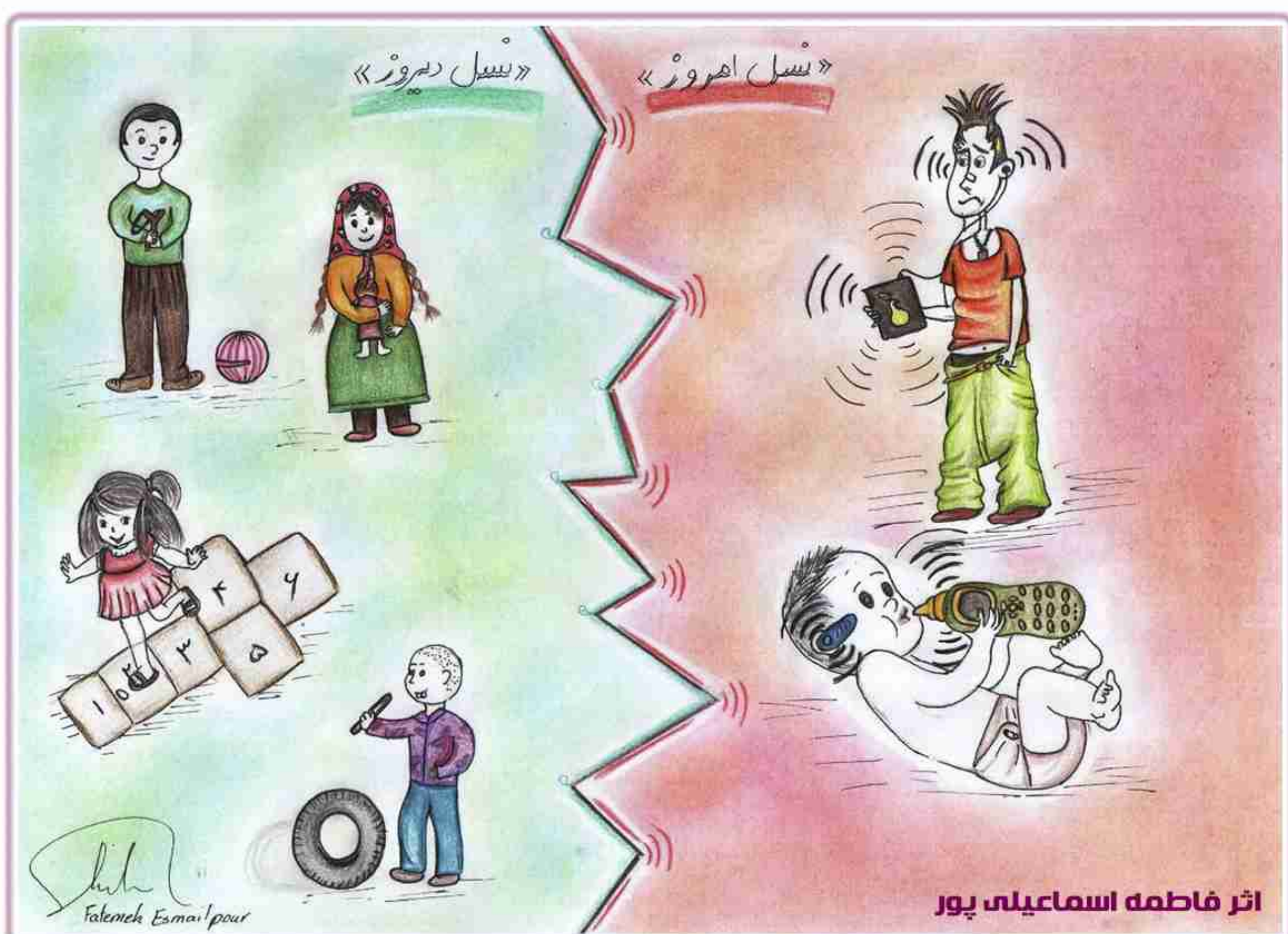


طراحی محمد امین میمنجیان

بیدار که دست منتهی بر خیزد
در این باغ ایلی بر خیزد



اثر عاطفه قاسمی



اثر فاطمه اسماعیلی پور



دوربین معلم



ایمان بزرگرم



ایمان بزرگرم



ایمان بزرگرم



پرسا کارگردان



فاطمه یحسین ایاکرا



مهشید واعظ



فاطمه یحسین ایاکرا



فاطمه یحسین ایاکرا



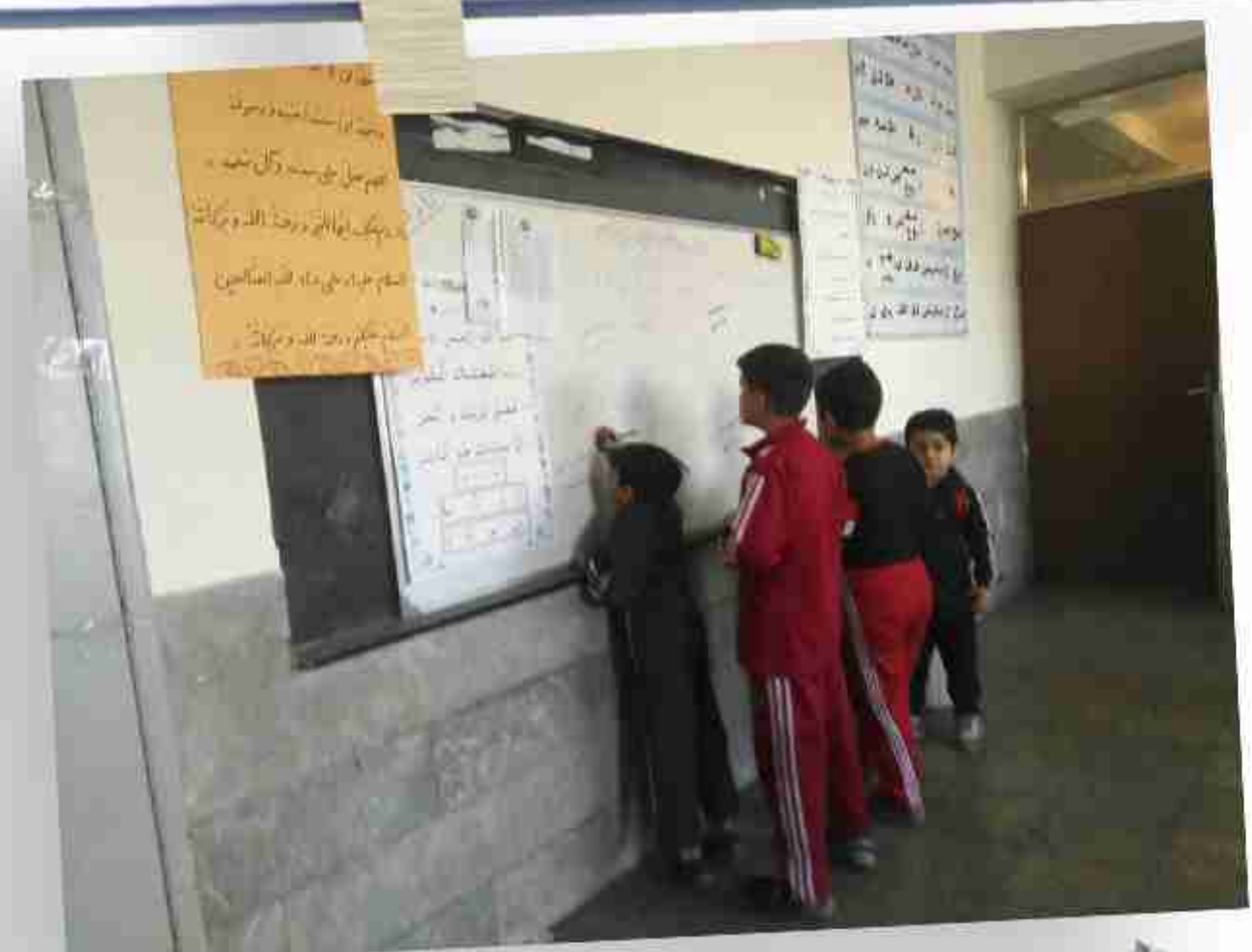
مجتبی غلامی



رحیمه دشتی



زهرا فاضل

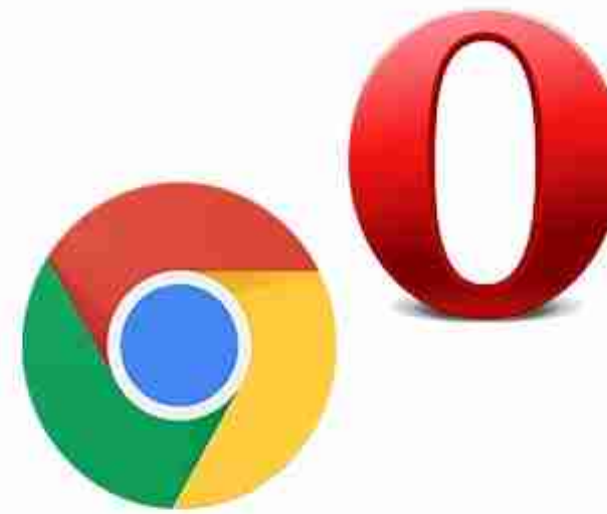


مجتبی غلامی





معرفی سایت



سایت سید حسین عباسمنش

سایت abasmanesh.com : این سایت زیر نظر سید حسین عباسمنش محقق در زمینه قوانین جهان است. ایشان ضمن پژوهش و مطالعه کتاب قرآن به شیوه منحصر به فرد خویش، به کشف رازهای خوشبختی در دنیا و آخرت دست یافته و ثابت می‌کند که تمام آیات قرآن، آیاتی فرکانسی و منطبق بر قانون جذب هستند. به این ترتیب ایشان بنیان گذار مبحثی با عنوان "قرآن و قانون جذب" برای اولین بار در جهان می‌شوند که بازتاب گسترده‌ای را در جهان به وجود آورده است. بر طبق این پژوهش‌ها، اسراری بی‌نهایت مهم در پس معنای آیات قرآن نهفته است که استاد، عباس منش بهترین راه فهم و ادراک این رموز را، کنار هم قرار دادن هر کلمه با ریشه یکسان و سپس مطالعه کل آیاتی که ریشه آن کلمه در آنها به کار رفته و دریافت درکی جامع و کامل از آن ریشه کلمه می‌داند. بعنوان مثال برای فهم کلمه "رب" در قرآن ایشان تمامی آیات قرآن با ریشه "ر.ب.ب" را کنار هم قرار داده و درکی صحیح و جامع از این کلمه ارائه می‌دهد.

ابزار رایگان برای ویرایش فایل‌های PDF

یکی از مهم‌ترین خصوصیت فایل‌های پی‌دی‌اف غیرقابل ویرایش بودن آنها است. این فایل‌ها برای مواردی استفاده می‌شوند که قرار نیست در آنها دخل و تصرفی صورت گیرد. با این حال حتماً برای شما هم پیش آمده که بخواهید یک فایل PDF را ویرایش کنید. وبسایت WWW.PDFESCAPE.COM یک ابزار آنلاین است که به شما اجازه‌ی ویرایش فایل‌های PDF را می‌دهد.

از جمله ویژگی‌های این وبسایت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ویرایش فایل‌های PDF، اضافه کردن یادداشت یا حاشیه‌نویسی برای فایل‌های PDF، ساخت فرم‌های جدید PDF، پرکردن فرم‌های PDF، نمایش فایل‌های PDF، رمزنگاری فایل‌های PDF برای آپلود و ویرایش فایل‌های PDF البته محدودیت حجم و صفحه وجود دارد که این وبسایت اجازه‌ی ویرایش فایل‌های حجیم‌تر از ۱۰ مگابایت و بیشتر از ۱۰۰ صفحه را نمی‌دهد.

آموزش سخنرانی و فن بیان

در وبسایت آموزش سخنرانی و فن بیان (Bahrampoor.com) وابسته به موسسه فرهنگی «آوای رسای سخن ایرانیان» به ارائه دوره‌ها، محصولات و مباحث آموزشی در حیطه مهارت‌های ارتباطی، سخنرانی و فن بیان پرداخته می‌شود. شاید تا به حال با خود فکر کرده باشید که چگونه من می‌توانم یک سخنران حرفه‌ای باشم. این سایت در عضویت اولیه که به صورت رایگان است تعداد نه عدد فایل صوتی که در نه جلسه به صورت مختصر به آموزش سخنرانی پرداخته است را در اختیار شما قرار می‌دهد.

محل توسعه مهارت‌های من

سایت MOTAMEM.ORG متمم مخفف عبارت «محل توسعه مهارت‌های من» است. متمم یک پروژه تولید محتوای فارسی با هدف ارتقاء سطح دانش و مهارت فارسی زبانان در نقاط مختلف ایران و جهان است. این سایت به آموزش انواع مهارت‌های زندگی می‌پردازد.

شبیه سازی هایی تعاملی

سایت phet.colorado.edu: شبیه سازی هایی تعاملی در زمینه علوم های فیزیک، شیمی، زیست شناسی، زمین شناسی و ریاضیات می باشد. این سایت قابل تغییر به چندین زبان زنده می باشد. این سایت برای استفاده در زمینه تدریس با محتوای الکترونیکی بسیار مفید است.

گردالی

در سایت gerdali.com یک جمعی تشکیل داده اند از آدم هایی که دوست دارند دنیا رو از بالا ببینند. آدم هایی که فکر می کنند زندگی باید چیزی بیشتر از همین دایره ی دور و اطرافمان باشد، و برای دیدن ذره ای بیشتر از زیبایی های دنیا، حاضرند قدم های بزرگی بردارند. در این سایت دنیایی از شگفتی و زیبایی و هیجان مشاهده می نمایید.

همه ی مطالبی که در این سایت قرار گرفته است تلاش بر این دارد که شور و شوقی که با خستگی روزانه نسبت به زندگی از دست می رود را به بازدیدکنندگان از این سایت برگرداند. شاید دیدن نگاه یک بچه فیل کنار مادرش چیزی باشد که روز شما را می سازد، شاید پیدا کردن یه مقصد جدید برای سفر بعدی شما، یا ...

بخش های گوناگون و جالب سایت گردالی : عکاسی برای همه، تکنولوژی، آشپزی، حق تقدم با حیوانات، پمپ آدرنالین، سفر به گردالی، اتفاقات گردالی، به مقصد هیجان انگیز، بقا در طبیعت، گیاه شناسی و...

گردآوری:
محمد حسن لاله زاری- مصطفی
غمخوار- محمد دره زرشکی

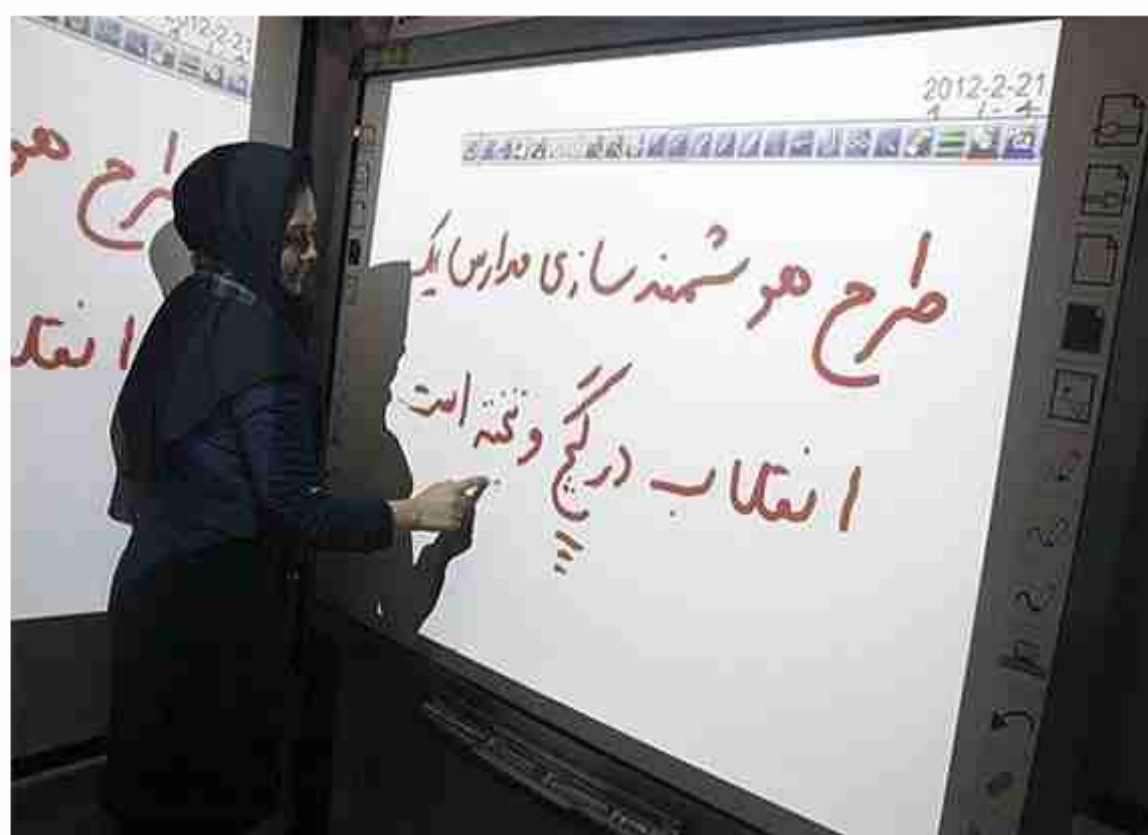


تدریس سنتی در مدرسه‌ی هوشمند؟!

مدارس که اکنون از آن‌ها به نام هوشمند یاد می‌شود، درواقع مدارس هستند که فقط به تعدادی سخت‌افزار و نرم‌افزار تجهیز شده‌اند و کارکنان آن هیچ‌گونه برنامه‌ریزی و آشنایی با چگونگی اداره‌ی یک مدرسه هوشمند ندارند. درحالی‌که ۱۰ درصد کار یک مدرسه هوشمند، سخت‌افزار موردنیاز و ۹۰ درصد محتوای آموزشی هوشمند است که در این ۹۰ درصد ما دچار ضعف بزرگی هستیم. شما کدام مدرسه را می‌شناسید که به‌عنوان اولین شاخص، دارای یک سایت اینترنتی فعال و پویا باشد؟

جالب است بدانید ما در ایران دارای کمترین درجه‌ی مدارس هوشمند آن‌هم در حد تجهیزاتی هستیم. درحالی‌که ممکن است در یک کلاس درس هوشمند شما هیچ اثری از رایانه یا ویدئو پروژکتور نبینید. درواقع این نوع آموزش و پرورش متفاوت در این مدارس است که آن‌ها را هوشمند ساخته و هدف آن پژوهشگر بار آوردن دانش آموز و خارج کردن کلاس از حالت معلم محوری است.

از شما می‌پرسم آیا معلمان موجود می‌توانند خود را به سطح تدریس موردنیاز در این مدارس برسانند؟



البته که می‌توانند ولی اگر بخواهند. ظاهراً در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین مشکلات وزارت آموزش و پرورش همین نکته است، یعنی آموزش دادن معلمان برای تدریس در این گونه

مدارس. زیرا با بی‌ رغبتی و حتی مقاومت برخی همکارانشان مواجه شده‌اند، این در حالی است که یک معلم با نگاه سنتی هرگز نمی‌تواند در این مدارس تدریس کند. چون سطح اطلاعات بیشتر معلمان ما محدود به مقطع تدریسی‌شان است و این با تدریس در کلاس‌های هوشمند برای دانش آموزان جستجوگر و محقق متناسب نیست.

آهای دانشجو معلمی که تا آخر مطلب منو خونیدی! ما می‌فولایم اینجا و در این نشریه به هم کمک کنیم تا مصداق مدارس هوشمند رو در عمل پیاده کنیم. پیشنهاد می‌کنم منتظر شماره‌های بعدی نشریه، مخصوصاً بخش فناوری باشی که آموزش‌های خیلی خوبی در راهه! قرارمون یادت نره. فدای نگهدار.

میلاذ اکریمی ابرقویی

مدیر مدرسه می‌گوید: که هزینه‌ی سنگینی را بابت این تجهیزات و هوشمند سازی مدرسه پرداخته است. افتخار می‌کند که توانسته مدرسه‌اش را با ۱۰ رایانه که وصل شبکه شده‌اند و یک عدد ویدئو پروژکتور که متصل به سقف کلاس است هوشمند سازد، ولی سؤال من این است که آیا هوشمند بودن یک مدرسه به این سخت‌افزار و نرم‌افزار وابسته است یا آن‌که ملزومات دیگری نیز می‌طلبد؟ اصلاً مدرسه‌ی هوشمند چیست؟ آیا یک مدرسه‌ی هوشمند، نیاز به ساختمان و کلاس های ویژه‌ای ندارد؟ واقعیت این است که هنوز کمتر معلم، دانش‌آموز یا حتی مدیری می‌داند که اصولاً مدرسه هوشمند چیست و چه ویژگی‌هایی دارد، بنابراین آیا می‌توان به‌جرت گفت که ما دارای مدرسه‌ی هوشمند هستیم؟!

در مدارس هوشمند، معلمان می‌توانند با استفاده از بانک‌های اطلاعاتی و نرم‌افزارهای مختلف درس‌های جدیدی را با توجه به نیازها و علاقه‌ی دانش آموزان طراحی کنند و یا این‌که درس‌های موجود را تغییر دهند و اصلاح کنند، بنابراین، محتوای آموزشی در این مدارس تا حدودی متفاوت است، دانش آموزان خودشان سرعت یادگیری‌شان را تعیین می‌کنند و ساعات یادگیری محدود به ساعات مدرسه نیست. نقش معلمان تا حدود زیادی از آموزش و ارزشیابی دانش آموزان به پیگیری آموزش شخصی آنان تغییر می‌یابد. دانش آموزان اغلب به‌جای کیف‌های مملو از کتب حجیم، با رایانه‌های قابل حمل، سر کلاس درس حاضر می‌شوند. ارزشیابی از دانش آموزان به‌جای این‌که در مقاطع و نوبت‌های فاصله‌دار (در پایان هر فصل یا هر ترم و ...) صورت پذیرد، هرروز و به شکل آنلاین خواهد بود. دانش آموزان هنگام ورود و خروج از مدرسه، باکارت دیجیتالی که در اختیاردارند، والدین خود را از ساعت آمد و رفت خود مطلع می‌سازند. والدین دانش آموزان نیز می‌توانند با یک آموزش ساده به سیستم ارزشیابی مدرسه متصل شوند و به این وسیله از وضعیت و روند پیشرفت تحصیلی فرزند خود آگاهی یابند. دانش‌آموزان نقش یاد دهنده و یادگیرنده را بر عهده‌دارند. در این مدرسه، برنامه درسی محدودکننده نیست و به دانش‌آموزان اجازه داده می‌شود از برنامه‌های درسی خود فراتر گام بردارند. سیستم بر روی رایانه‌ی مرکزی مدرسه نصب می‌شود و با اتصال به تعداد زیادی از خطوط تلفن در طول شبانه‌روز آماده‌ی ارائه خدمات است. دانش آموزان با داشتن یک رایانه در منزل همیشه با سیستم مدرسه خود در ارتباط‌اند لذا می‌توان گفت مدارس هوشمند هیچ‌وقت تعطیل نیستند.



مطالعه

به نام دانایی حقیقت

دنیای کودکان، دنیایی مملو از پاکی، صداقت و در عین حال پیچیدگی است. مصاحبت با کودکان شیرینی خاص خود را دارد و از لابه لای حرف-های کودکانه شان نکاتی پر مغز را می توان استخراج نمود که از دید بزرگسالان مغفول مانده است. لذا در این شماره بر آن شدیم که مخاطب مصاحبه مان را دانش آموزانی با شرایط مختلف قرار دهیم و از بین گفت و گویمان، پاسخ سوالات هدمندی که در نظر داشتیم را به دست بیاوریم. آنچه که در ادامه می خوانید حاصل گفت و گویی است شیرین، که علامت سوالی در ذهنمان بوجود آورد که یافتن پاسخ آن سخت نیست، اگر این سوال ها را از دانشجویان می پرسیدیم...چه جواب هایی را قرار بود بشنویم...؟!

اگر بهت بگن فردا قراره تو معلم باشی. خوشحال میشی یا نه؟؟

یاسمن پایه دوم

نه دوست ندارم...

چرا خوشگل خانم؟؟ چون دوست دارم بازیگر بشم... معلمی خیلی استرس داره... خیلی جالب نیس... بازیگری بهتره... راحت تره... بعد شادتره... بیشتر خوش میگذره... مامانم میگه آخر من رو بازیگر میکنه.

محمد پایه سوم

نه خوشحال نمیشم،

یعنی اصلا دوست نداری به جای معلّم باشی؟؟

نه چون بچه ها زیاد سروصدا میکنن و سوالات اضافه می پرسن و روی اعصابم تأثیر میذاره.

ابوالفضل پایه ششم

نه! چرا ابوالفضل؟؟

چون حوصله ی زیادی ندارم و دوست دارم پلیس بشم، دوست ندارم معلم بشم با دانش آموزا کل کل کنم.

اگر مدیر بودی و میخواستی معلم استخدام کنی چطور معلمی استخدام می کردی؟

مریم پایه سوم

مهربون باشه... زیاد مشق نده... خوب درس یاد بده به دانش آموزاش... اون ها رو بفهمه... جوون باشه...

چرا جوون؟!

چون زود خسته نمیشن و حوصله دارن...

سید مهدی پایه ششم

معلمی که به بچه ها وابسته باشه! یعنی چجوری باشه سید مهدی؟؟

طوری که بچه ها رو دوست داشته باشه و خوش اخلاق باشه این جوری بچه ها زودتر درس یاد می گیرن.

محمد پایه سوم

معلمی که با سابقه باشه استعداد معلمی داشته باشه و بتونه درس رو برای بچه ها خلاصه کنه...

اگه تو بچه داشتی... میذاشتی بیاد تو این کلاس و مدرسه درس بخونه؟

مهدیه پایه ششم

نه نمیزاشتم...

چرا؟!

چون دوست ندارم جایی با بچه ام، این جور رفتار کنن...

چجور رفتار کنن؟؟

خب معلمش و بقیه باهاش درست حرف بزنن... حرف زشت بهش نزنن... اگه درسش رو نخونده بود باهاش بدرفتار نکنن... کتاب طرفش پرت نکنن.

رضا پایه ششم

نه. چرا؟؟ چون این مدرسه شلوغه و مواظبت از بچه ام سخت و شخصیت خوبش به شخصیت بد تبدیل میشه.

شما چطور امیر حسین؟؟

منم نه آقا. چون تو این مدرسه بچه ها بی تربیت هستن و بچه ام بی تربیت میشه...

اگر تو باید مدرسه رو می ساختی چجوری می ساختی؟؟

امینه پایه چهارم

خیلی خوشگل...

خوشگل یعنی چجور؟

حیاطش خیلی بزرگ باشه... زمین بازی داشته باشه... برای همه جا باشه بازی کنیم... تاب و سرسره و وسیله بازی...

باغچه زیاد داشته باشه و تو باغچه یه عالمه گل باشه... دیوارهای مدرسه پر از نقاشی قشنگ باشه...

آبخوری و دستشویی هاش به کلاس ها نزدیک باشه...

آلاچیق زیاد داشته باشه که بچه ها سرش دعوا نکنن...

کلاس ها چی؟؟

کلاس ها بزرگ باشن... پنجره داشته باشن که نور بیاد... دیوارهاش رنگی باشه... با یه عالمه تزئینات قشنگ...

میثم پایه ششم

خیلی قشنگ با امکانات زیاد.

یعنی چطوری قشنگ میشه؟؟

زمین فوتبال رو چمن می کردم تا وقتی بچه ها می خورن زمین آسیب نبینن، بعد حیاطی باز و وسایل ورزشی براش فراهم می کردم تا بچه ها از مدرسه ناراضی نباشن و اسمش رو می گذاشتم شهید مطهری و دوربینم براش میذاشتم و یه مغازه.

محمد حسین شما چه می کردی؟

من کلاس ها رو بزرگ می ساختم تا بچه ها و معلّم اذیت نشن و در

کلاس تخته ی هوشمند می داشتم و پیشرفته می کردم و به جای

پله ها براش آسانسور میذاشتم و براش چهار آب خوری، کتابخانه و

آزمایشگاه می ساختم، حیاطم درخت کاری می کردم.

اگر یه پاک کن بزرگ داشتی چه چیزی هایی از مدرسه رو پاکش می کردی؟؟

سحر پایه دوم

در بزرگه هست آهنیه... اونو پاک می کردم...

اونو چرا عزیزم؟؟ نمیدونم اصلا ازش خوشم نمیاد...

خب دیگه؟؟

دیگه معلم های اخمو و بداخلاق رو پاک می کردم... اون سومی هایی که همش

منو هل میدن می خورم زمین هم پاک می کردم...

امیرعباس پایه ششم

کلاس ها را پاک می کردم!

چرا امیرعباس پسر خوب؟؟ چون کلاس ها خسته کننده اند. آقا یه چیز

دیگه هم پاک می کردم، زمین خرابش.

محمد پایه سوم

آقا صندلی های یک نفره! چطور محمد؟؟ چون صندلی های یک نفره نمی تونیم

درست روی آن بشینیم و صندلی های اضافه چون کلاس رو شلوغ میکنه و یه

چیز دیگه تخته های وایت برد چون دستمون لیز میخوره نمی تونیم روی

اون راحت بنویسیم.

عاطفه خلیلی، مجتبی غلامی



اول از کس

(خدا اول است). سوره حدید، آیه ۳

می‌گویند خدا از اول بوده است. این اول یعنی کی؟

شاید برای شما هم زیاد اتفاق افتاده است که کودکان گاهی از شما سوالاتی پرسیده باشند که از پاسخ دادن عاجز مانده باشید. بر پدر و مادر ها لازم است که با مطالعه و تحقیق بتوانند تا حدی جوابی بر کودک خود عرضه نمایند. واضح است که یک معلم آگاه و فرهیخته نیز باید خود را آماده ی جواب دادن به کودک پاک و خلاق خود نماید. سعی داریم در هر شماره نشریه فرهنگیان یزد به یکی از این سوالات پاسخ دهیم. این پاسخها برگرفته از کتاب خداشناسی قرآنی کودکان نوشته ی غلامرضا حیدری ابهری است که با زبان کودکان نوشته شده است. امیدواریم که نهایت استفاده حاصل گردد.

پاسخ برای کودکان:

آیا وقتی می‌گوییم خدا از اول وجود داشته است، منظور ما از اول، یک روز مشخص مثلاً چهارشنبه سال فلان است؟ خوب معلوم است که منظورمان این نیست؛ زیرا اگر بگوییم خدا از فلان روز بوده، بلافاصله به ذهن ما می‌آید که پس قبل از آن روز چه؟ آیا در آن موقع خدا وجود داشته است یا نه؟ مردی از امام باقر (ع) پرسید: به من بگویید که خدا از کی بوده است؟ امام به وی فرمودند: «تو به من بگو خدا کی نبوده تا من به تو بگویم کی بوده است.» (توحید صدوق) امام می‌خواستند به آن مرد بفهمانند که خدا همیشه بوده و



اگر کسی بگوید خداوند از فلان روز معین وجود داشته و قبل از آن نبوده است؛ قطعاً این حرف‌ها درست نیست. وقتی می‌گوییم مؤمنان برای همیشه در بهشت می‌مانند، این همیشه ماندن تا چه زمانی است؟ معلوم است که زمان معینی - مثلاً جمعه سال فلان - برای آن وجود ندارد. از آن طرف هم وقتی می‌گوییم خدا از اول بوده است، یک روز معین، منظور ما نیست. ثانیه و دقیقه و ساعت و روز و سال، ویژگی آفریده‌های خداست. داشتن تاریخ تولد و تاریخ به وجود آمدن، ویژگی مخلوقات پروردگار است. خداوند، تاریخ تولد و تاریخ به وجود آمدن ندارد. این فرض که خدا از فلان روز وجود یافته، فرض غلطی است؛ زیرا معنی‌اش نبودن خدا قبل از آن زمان است. خدایی که زمانی وجود داشته باشد و زمانی نباشد، دیگر خدا نیست. اگر قرآن هم در سوره ی حدید فرموده: «خدا اول است.» یعنی هر چیزی را که اولین موجود جهان فرض کنی، خداهم از آن زودتر بوده است. (تفسیر المیزان) منبع: خداشناسی قرآنی کودکان

علی دهقانی تفتی

دانشجو و آرمان‌گرایی

آرمان‌گرایی واقع‌بینانه در حقیقت یک فضیلت عملی است برای رسیدن به مقاصد و اهداف عالی بشری. هر فرد یا جامعه‌ای که بخواهد به اهداف عالی خود دست پیدا کند، آرمان‌خواهی نیرومحرکه‌ی آن حرکت‌ها خواهد بود. فایده آرمان‌گرایی این است که به انسان، نیرو، نشاط و طراوت می‌دهد. از فواید مهم دیگر آرمان‌گرایی، جهت دادن به زندگی است و باعث می‌شود که انسان از حرکت در مسیر اهداف خود منحرف نشود. از دانشگاه و دانشجو همیشه و در همه‌جا این انتظار بوده است که محل جوشش و اوج جریان حیاتی آرمان‌گرایی باشد؛ زیرا هدف‌های سیاسی و اجتماعی با توجه به آرمان‌ها تعیین می‌شود و دانشجویان به‌عنوان سکان‌داران آینده کشور باید به دنبال تحقق اهداف متعالی کشور مبتنی بر تعلیم تمدن ساز اسلامی باشند و از انحراف و سستی در مسیر رسیدن به آرمان‌ها جلوگیری کنند. دانشجوی آرمان‌گرا با تقویت روحیه ی عدالت‌خواهی، آزادی‌خواهی، اعتمادبه‌نفس، مطالبه‌گری و ضد استکباری به دنبال پیشرفت علمی و پیشرفت اقتصادی کشور، در جهت تحقق تمدن متعالی اسلامی است. در این مسئله قدرت و تأثیرگذاری دانشجویی را نباید نادیده گرفت. دانشجو یک جریان تصمیم‌ساز و گفتمان ساز است. هنگامی که دانشجو حرفی می‌زند، بر جامعه و مدیریت کلان کشور تأثیر می‌گذارد. هنگامی که جنبش‌های دانشجویی آرمانی را دنبال می‌کنند این آرمان یک گفتمان در جامعه ایجاد می‌کند و هنگامی که یک گفتمان در جامعه ایجاد شد و همگانی شد مراکز تصمیم‌گیری کشور مجبور به دنبال کردن آن می‌شوند.

محمدصادق محسنی

یکی از مواردی که مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان و جوانان همواره بر آن تأکید کرده‌اند و آن را از ضروریات زندگی دانشجویی می‌دانند، مسئله ی «آرمان‌گرایی» است و می‌فرمایند: «یکی از چیزهایی که ما از دانشجویان توقع داشتیم و این به‌طور طبیعی در دانشگاه و در محیط جوان وجود دارد و بنده هم اصرار داشتم که این حالت در دانشگاه زنده بماند، مسئله آرمان‌گرایی است...»

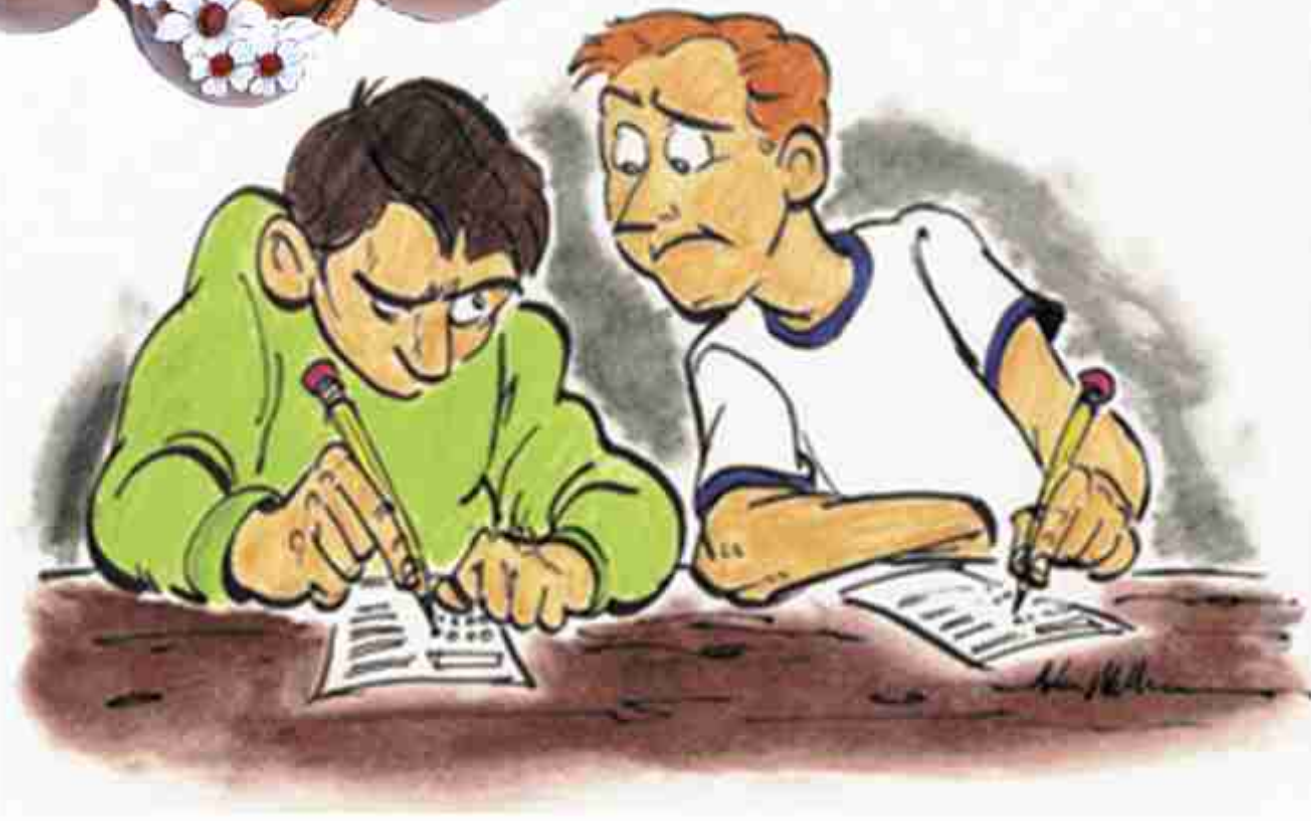
آرمان‌گرایی هم در سیاست هم در همه‌ی صحنه‌های دیگر مثل آرمان‌گرایی در علم باید موردتوجه باشد. آرمان‌گرایی در علم یعنی در زمینه مسائل علمی باید دنبال قله بود که این توجه شما را به درس خواندن و خوب درس خواندن باید نتیجه بدهد. شاید بتوان آرمان‌گرایی را حرکت در مسیر رسیدن به هدف‌های مطلوب و بدون عیب و نقصی دانست که تمام خواسته‌های بشری را دربرمی‌گیرد. در حقیقت آرمان‌گرایی به وضع موجود جامعه کنایه می‌زند و به آن قانع و راضی نمی‌شود و به دنبال رسیدن به مراتب و هدف‌های بالاتر جامعه است. لذا آرمان‌گرایی همیشه در مقابل محافظه‌کاری مطرح است. اسلام ضمن تأیید مسئله آرمان‌خواهی تأکید می‌کند که آرمان‌ها باید با عقل و واقعیت منطبق باشد.

آرمان‌های غیرواقع‌بینانه آرزوهای دورودرازی هستند که نتیجه‌ای جز اتلاف وقت و انرژی و نرسیدن به هدف را ندارد.





نقد



شاید برای خیلی از ما دانشجو معلمان این سؤال مطرح شده باشد که با دانش آموزانی که در آزمون ها و یا حتی در حل تکالیف، تقلب می کنند چگونه برخورد کنیم؟

ابتدا به بررسی این رفتار غیراجتماعی از دیدگاه روانشناسان می پردازیم. تقلب، یکی از مسائل مهم، در خانواده ها و مدارس است که در آن دانش آموز شدیداً تحت فشار اطرافیان قرار می گیرد. به طور کلی تقلب رفتاری است غیرصادقانه، طی طریقی است، به غیر از شیوه شرافتمندانه و رسیدن به واقعیت و حقیقتی است، غیر از طریق مشروع و نشان دادن خود با چهره ای وارونه و غیرصحيح.

اما چه عواملی باعث می شود تا دانش آموزان به تقلب گرایش پیدا کنند؟

۱- فراهم بودن شرایط تقلب ۲- توقعات نادرست و خارج از ظرفیت دانش آموزان از سوی اولیا و مربیان ۳- سهل انگاری در انجام تکالیف و مطالعه کم و بی دقت در ایام آموزش و در نتیجه، عدم آمادگی برای امتحان ۴- مشغول بودن به کارهای غیردرسی ۵- دست کم گرفتن امتحان و عادت به تقلب ۶- وجود عوامل روانی مانند راحت طلبی، اضطراب، اعتماد به نفس پایین ۷- فقدان روش تربیتی صحیح در خانواده به همراه هرج در آن.

وجود زمینه های تقلب، انگیزه لازم را برای دانش آموزان فراهم می کند. مقابله با این رفتار و اقدام جهت کاهش آن، از مقوله هایی است که هر معلمی باید به عنوان یک فن مدیریت کلاس، بشناسد و به کار برد:

۱- باید علت اساسی تقلب را شناخت و درصدد برطرف کردن آن بود. اگر دلیل تقلب دانش آموز، کسب نمره ی بالاتر بوده، بایستی دانش آموزان را توجیه نمود که خوب درس خواندن، بسیار مهم تر از کسب نمره بیشتر است.

۲- از بین بردن زمینه های تقلب، به دانش آموزان توضیح داده شود که تقلب انتخاب صحیحی نیست و راه های دیگر وجود دارند.

۳- خانواده و مدرسه، انگیزه تقلب را در دانش آموزان ایجاد نکنند.

معلم با استفاده از شیوه هایی که احساس حقارت دانش آموز را کاهش داده، اعتماد به نفس وی را افزایش می دهد و با توقعات واقع بینانه از دانش آموز، می تواند انگیزه تقلب را در وی کاهش داد. یکی از روانشناسان می گوید به هر کس اظهار اطمینان کنید، سعی خواهد کرد که خود را لایق آن سازد. به قول فردوسی:

کسی کش ستیش بیاید به کار

تو او را به کیتی به مردم مدار



در هنگام رویارویی با این گونه رفتارها، مهم ترین کاری که معلمان می بایست انجام دهند، کنترل خشم و عصبانیت است. اکثر معلمان در این لحظات این موضوع را فراموش می کنند که اگر عصبانیت خود را بروز دهند، در واقع شکست خود را امضاء کرده اند. امام علی (ع) می فرمایند: «ای مالک، هر قدر که خود را قادر و فعال می بینی بیادآور خداوند از تو فعال تر و قادرتر است» و همچنین در جایی دیگر می فرمایند: «یاد خدا خاطر را روشن کند و چراغ خرد را برافروزد و اشتغال هوس و غضب را فرو نشاند».

پس معلمی موفق است که بتواند با توجه به نیاز طبیعی شاگردش، از جوانب مختلف بر رفتار وی نفوذ کند و محبت وی را جلب نماید. شاگردان نیز می گویند، وقتی معلمی را دوست داریم، درس وی را بهتر می خوانیم و کلاس، برایمان خسته کننده نمی شود. پس وجود رابطه عاطفی متقابل بین آنها بر عملکرد مثبت دانش آموزان در کلاس مؤثر است.

مریم رئیسی نافچی





اختلالات املا نویسی و درمان آن

مشکلات املا نویسی:

مشکلات املا نویسی انواع مختلفی دارد که عبارتند از: جا انداختن کلمات، وارونه نویسی، غلط نویسی حروف، ننوشتن حروف ع، اشتباه در نوشتن کلمات استثنای مانند (همزه - خوا - و - ئ)، اضافه نویسی حرف، ننوشتن تشدید، اشتباه سمعی و تلفظی، کم و زیاد گذاشتن دندان، اشتباه نوشتن شکل ظاهری حروف، اشتباه در نوشتن رسم الخط جدا نویسی، متصل نویسی کلمات، کم و زیاد سر کج، قرار دادن (ه) در آخر کلمات

علل مشکلات املا نویسی:

برخی از اشکالات عمده دانش آموزان عبارتند از: ضعف حافظه دیداری، یعنی این که دانش آموز شکل کلمه را در ذهن خود، فراموش می کند. ضعف آموزشی، یعنی این که فرد طریقه ی نوشتن صحیح را خوب یاد نگرفته است. وارونه نویسی، یعنی اینکه کلمه را وارونه می نویسد. ضعف در دقت، قرینه نویسی، ضعف در حساسیت شنیداری



درمان اختلالات املا نویسی:

تقویت حافظه دیداری، تقویت حافظه شنیداری، تقویت عضلات و ماهیچه ی دست برای تند نویسی از جمله کار هایی است که باید برای دانش آموزان انجام شود از قرار زیر است. مچاله کردن کاغذ یا روزنامه باطله به شکل سرگرم کننده و یا به حالت مسابقه بین والدین و فرزند بازی با خمیر بازی و یا گل مجسمه سازی برش اشکال هندسی و غیره بر روی کاغذ و مقوا به وسیله ی قیچی کوچک بازی با راکت پینگ پنگ جهت تقویت مچ دست پیچاندن نخ دور قرقره تغذیه مناسب و پرکالری

منبع: مقاله اختلال در املا نویسی و شیوه های رفع آن

Subject	Year	Month	Date
کتاب: از زبان پیامبر بود ز نام داشت.			
موجوده ها در نه ها لای ای زمستان دغیر می کنند.			
برادر من کتابخانه ای در خانه داشت.			
نیکو می فقیران ثواب فراوانی دارد.			
ما در فوئال به ترب حضرت های زیادی می زنیم.			
این کلاس کتابخانه ای دارد که دوست داشتی است.			
من هر صبح صبحونه می خورم اما نمی خورم.			

ارزشیابی نویسی	تغذیه	تربیت	توانمندی
خوب	خوب	خوب	خوب

تلخیص:

محمدرضا غلامی رکن آبادی
ابوالفضل کریمی رکن آبادی
محمدرضا زارع مهرجودی

از معلم خوب چه انتظاری داریم؟



برای من خواندن این که شن ساحل ها نرم است، کافی نیست، می خواهم پای برهنه ام این نرمی را حس کند. معرفتی که قبل از آن احساس نباشد، برایم بیهوده است. (برگرفته از کتاب «پیامبر» نوشته جبران خلیل جبران، ترجمه نجف دریابندی)

راستی از معلم خوب چه انتظاری داریم؟

معلمی که بداند من مشتاق راه رفتن روی شن های نرم تفکرم، بداند می خواهم با پای برهنه ی ذهنم در کوچه پس کوچه ی دانش قدم بزنم.

معلم خوب من معلمی است که احساس کنم از آموختن من لذت می برد، از برق چشمانش و از لبخند رضایت بخشی که گوشه ی لبانش می نشیند این حس در من القا شود که قلبش برای کارش و شاگردانش می تپد و این ارزشی که برای من قائل است، باعث می شود تلاشی مضاعف کنم تا دوباره لبخند حاصل از این احساس رضایت را در گوشه لبان او بنشانم.

معلمی که به من بفهماند آنچه در برخورد با یک سؤال مهم است تلاش برای پاسخ گویی به آن است؛ و این که آیا می توانم پاسخ گویم یا خیر، ارزش چندانی ندارد. به من یاد دهد خود سؤال را دوست بدارم و از من نخواهد به هر قیمتی شده جواب سؤالاتی را که مشخص کرده پیدا کنم که اگر این گونه باشد دلهری پیدا کردن جواب، آن چنان وجودم را فرا می گیرد که دیگر قادر نخواهم بود برای رسیدن به آن، بال های اندیشه ام را بگشایم و خود را غرق در تفکر بکنم بلکه ناخودآگاه متوسل به اندیشه ی دیگران می شوم و این گونه کم کم قدرت اندیشیدن را از دست می دهم و به یک طوطی تبدیل می شود؛ که بی نقص و زیبا گفته ی دیگران را تکرار می کند و مورد تحسین قرار می گیرد.

معلم خوب من، معلمی است که به من امکان می دهد که اشتباهات درسی و علمی ام را خودم کشف کنم و او تنها با طرح سؤال های زیبا، مرا وادار به اندیشیدن در مورد اشتباهاتم کند و بدین طریق، این حس را در من القا کند که من خود، مسئول پیشرفت خودم هستم.

منبع: الهه ابراهیم پور، ویژه نامه صدمین مجله رشد آموزش ریاضی

تلخیص: فاطمه ابراهیمی نژاد رفسنجانی ریاضی ۹۲



راه‌حل‌های افزایش جایگاه اجتماعی معلمان

در صورتی که معلمان، اقدامات لازم و از جمله موارد یادشده در بالا را برای ارتقا پایگاه خود، انجام دهند، قطعاً جایگاه آن‌ها در جامعه ارتقا خواهد یافت و البته اگر کسانی و نظام‌هایی بخواهند مانع انجام آن شوند، آن‌ها می‌توانند با اقداماتی بهره‌مندی خود را افزایش دهند و آن اقدام، توسل به شکل مدنی است. برای این منظور می‌توان دو مرحله را طی کرد: در مرحله اول راه‌اندازی تشکلی منحصر صنفی و پرهیز از هرگونه سیاسی‌کاری و آلت دست سیاست‌بازان شدن. آن‌ها خود به‌تنهایی و فقط در قالب تشکلی صنفی، می‌توانند اهدافشان را بدون توسل به سیاسیون محقق سازند.

در این راستا می‌توان تشکلی با هر نام و نشان، راه‌اندازی و در تمام شهرها، شعبه‌هایی دایر کرد و از طریق رابطان و نمایندگان شهرستان‌ها، هماهنگی لازم صورت پذیرد. در گام دوم، دو اقدام می‌توان انجام داد. از یک‌طرف نمایندگانی را تعیین کرده تا با صاحبان قدرت اقتصادی و سیاسی برای افزایش بهره‌مندی اقتصادی و امتیازات اجتماعی که حق آن‌هاست چانه‌زنی کنند و اقدام دیگر تلاش برای به دست گرفتن نقش‌های سیاسی اثرگذار، توسط فرهنگیان، از طریق نامزد شدن برای تصاحب مناصبی از قبیل نمایندگی شورای شهر، مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، وزارت و انجام فعالیت‌های مطبوعاتی مؤثر، به دست گرفتن نقش‌های سیاسی اجرایی، مناصب سیاسی و اقتصادی در سطوح ملی و محلی است. از آنجایی که توان علمی و تخصصی فرهنگیان، در مجموع و در مقایسه با سایر مشاغل شاید به علت گستردگی کمی عظیم آن‌ها، بالا است؛ این امر همراه با پتانسیل برخورداری از توده‌ی عظیم، اثربخشی آنان در انتخابات را افزایش می‌دهد. در این صورت و با این ویژگی‌ها به دست گرفتن مناصب سیاسی و اقتصادی کلان کار چندان مشکلی نیست.

اگر این اقدامات و تغییرات ایجاد شود، جایگاه معلمان خود به‌خود ارتقا خواهد یافت، جامعه هیچ‌گاه، پایگاه نقشی را بی‌جهت ارتقا نمی‌دهد، مگر اینکه آن نقش کارکردش ارتقا یابد، تجربیات چندین ساله اخیر نشان داد که حرکات اعتراضی، بدون ایجاد خودآگاهی، اتحاد و انسجام داخلی و تحول درون گروهی در حوزه‌های نقشی و توسل به سیاست‌بازان نتایج رضایت بخشی نخواهد داشت.

منبع: خلاصه‌ای از مقاله نقش جایگاه معلمی، چالش‌ها و راه‌حل‌ها
شهره عامری

همان‌طور که کارکرد یک نقش، جایگاه آن را در سلسله‌مراتب شربندی اجتماعی تعیین می‌کند، برای تنزل و یا ارتقای جایگاه یک نقش، باید کارکرد و فایده آن را تغییر داد. لذا برای ارتقای نقش معلمی در جامعه باید کارکرد آن را تقویت کرد. با این اقدام جایگاه و بالطبع پاداش شغل معلمی افزایش می‌یابد.

معلمان اگر واقعاً خواهان ارتقا پایگاه و از جمله پاداش‌های اجتماعی و اقتصادی هستند. باید عیناً پایگاه محول خود را به پایگاه محقق تبدیل کنند: از یک طرف هرکدام در بعد فردی، دانش و تخصص خود را تقویت کرده، روش‌های نوین تدریس را آموخته و به کار گیرند، رابطه صمیمی و صحیح با دانش‌آموزان برقرار کرده و دانش‌آموزان را افرادی خلاق و نوآوری تربیت کنند، سؤالات آزمون را بر اساس تمامی سطوح اهداف آموزشی از دانش تا ارزشیابی طرح کنند، در جلسه‌ی آزمون اجازه‌ی هیچ‌گونه تقلبی به دانش‌آموزان نداده، اوراق امتحانی را دقیق و بر اساس هدف‌های آموزشی تصحیح کنند، به هیچ دانش‌آموزی و تحت هیچ شرایطی و واسطه‌ای ارفاق نکنند و اگر چنین شود، دانش‌آموزان، فعال، نوآور، خلاق و رشد یافته تربیت می‌شوند. اینان در نظام اقتصادی و صنعتی و سیاسی، فعال و مؤثر خواهند بود و جامعه در قبال این‌گونه عملکرد، پایگاه معلمان را ارتقا خواهد بخشید. این راهی زمان‌بر و طولانی است، لازمه‌ی آن تلاش و کوشش است.



جامعه و نظام سیاسی توجیه‌گرند و بر اساس منافع خود عمل می‌کند، مثلاً حقوق قضات را به پشتوانه این سخن امام علی (ع) که بیان داشته است، به قضات رسیدگی کنید تا نیازی به رشوه‌خواری نداشته باشند، افزایش می‌دهند. ولی فراموش کرده‌اند که امام علی اگر درباره قضات آن سخن را بیان داشته، درباره معلم فرموده است: کسی که یک کلام به من بیاموزد مرا بنده‌ی خود کرده یا این که امام (ع)، دهان معلم فرزندان خود را پر از زر کرد. اگر قاضی نیازمند باشد رشوه می‌گیرد، ولی اگر معلم و فرهنگی نیازمند باشد از کار فرهنگی خود می‌کاهد و در فرهنگ خلل ایجاد می‌شود و قطعاً ضربه به فرهنگ برای جامعه مخرب‌تر است تا ضربه به سیاست، چون فرهنگ برای حفظ ثبات الگویی ایجادشده که دارای بیشترین نقش و اثر برای تداوم حیات جامعه است. اگر فرهنگ تضعیف شود دیگر خبری از توسعه‌ی اقتصادی، قدرت سیاسی، پیشرفت علمی و صنعتی و تولید علم هم نخواهد بود. لذا ضرورت دارد تا معلمان برای تغییر جایگاه اجتماعی خود اقدام کنند. این در حوزه‌ی فردی و صنفی به نفع آن‌هاست و در حوزه‌ی اجتماعی به توسعه اقتصادی و صنعتی و اجتماعی کمک خواهد کرد.

معلمان ایمان را بر لوح جان و ضمیرهای پاک حک می‌کنند
و ندای فطرت را به گوش همه می‌رسانند



ریشه‌یابی پی‌اخلاق‌ها سیاسی

شاید مبهم‌ترین نوع تربیت در بین قشر فرهنگی، تربیت سیاسی باشد. اگر بگوییم اکثر کسانی که به هر نحوی با تعلیم و تربیت دانش آموزان سروکار دارند، حتی تعریف درستی از این نوع تربیت نمی‌دانند، بی‌راه نگفته‌ایم.

قبل و بعد از انقلاب اسلامی هیچ‌گاه تنظیم‌کنندگان برنامه تعلیم و تربیت کشور، این جنبه از تربیت را آن‌گونه که شایسته بوده موردتوجه قرار نداده‌اند. به‌راستی چرا باید سال ۷۸ و ۸۸، دو نسل از جوانان بعد از انقلاب اقداماتی انجام دهند که مخل امنیت کشور تلقی شود؟ چرا باید فارغ از هر حزب و جناح آنان را به دو گروه مخالف و موافق نظام تقسیم کنیم؟ چرا باید جوانانی که در تمام دنیا موجب نشاط فضای سیاسی جوامع می‌شوند به‌راحتی خود

را درگیر بازی‌های سیاسی کنند؟ چرا وقتی بعد از ۱۲ سال مقاومت مردم در برابر تحریم‌های ظالمانه، کشور می‌تواند به‌حق خود برسد و قدرتهای جهانی را بعد از حدود ۲ سال مذاکره به‌زانو درآورد؛ عده‌ای این اقدام تاریخی را خلاف منافع نظام می‌دانند؟ درحالی‌که رهبر معظم انقلاب بارها به توانایی مجریان این امر اذعان داشته‌اند.

بی‌شک پاسخ تمام این سؤالات را می‌توان در عدم توجه لازم و کافی به تربیت سیاسی یافت.

پس ضروری است که ما دانشجو معلمان که نسل آینده کشور را تربیت خواهیم کرد، توجه بیشتری به این جنبه از تربیت کنیم. با توجه به این‌که تربیت سیاسی یکی از جنبه‌های تربیت ذکرشده در سند تحول بنیادین است، اهمیت آن بیش‌ازپیش آشکار می‌شود. باید توجه داشته باشیم که منظور ما از تربیت سیاسی، سیاسی بازی یا نگاه ابزاری و حزبی نیست بلکه تربیت سیاسی برنامه‌ای را تدوین می‌کند که مهم‌ترین وجهه‌ی آن تربیت شهروند و پرورش تفکر انتقادی است. اگر به دانش آموزان یاد داده بودیم که اعلام نظر، عقیده و انتقاد چه اصول و قواعدی دارد، شاید شاهد کشیده شدن اعتراض‌ها به خیابان نبودیم، شاید تعصبمان بر انصافمان غلبه نمی‌کرد، شاید...

ما معلمان آینده کشور باید این تفکر که تربیت سیاسی و تشویق کردن دانش آموزان به انتقاد کردن و انتقاد شدن را زنگ خطری برای آینده کشور می‌دانند دور بریزیم و بدانیم

که برای داشتن نسل جوانی که بتواند آینده کشور را به آن‌ها سپرد تا توان ایجاد مقبولیت و مشروعیت نظام و حکومت را در بین مردم سراسر جهان داشته باشند. باید به این جنبه از تربیت توجه ویژه شود.

مهم‌ترین مقوله در بحث تربیت سیاسی، نقش و تأثیر معلمان در تربیت سیاسی است که به بررسی آن خواهیم پرداخت.

معلمان به‌عنوان بانفوذترین الگوی اجتماعی در سال‌های سازنده زندگی بآنهاش آموزان سروکاردارند، از طرفی در نظام آموزشی ما تربیت سیاسی از طریق بخشنامه‌ها و به‌صورت یک شبه انجام نخواهد گرفت؛ بنابراین خود معلم باید رویه تفکر انتقادی و نوع‌دوستی را در دانش آموزان تقویت کند تا آن‌ها هراسی از بیان عقاید خود در چهارچوب عرف جامعه نداشته

باشند و همچنین اگر کسی با نظر و عقیده آن‌ها مخالف بود، تحمل شنیدن نظر مخالف را داشته باشند و بتوانند به‌دوراز تخریب از عقاید خود دفاع کنند. چه بسا اگر معلمان ما فقط این چند نکته‌ی کوچک را نیز به دانش آموزان یاد داده بودند، دیگر شاهد اتفاقاتی که عده‌ای از جوانانمان را در مقابل نظام قرار دهد نبودیم.

سخن آخر:

همیشه در بین ما ایرانیان رایج بوده که کوتاهی در کاری را به گردن دیگری

بیندازیم. در بحث تعلیم و تربیت نیز هر نقصانی دیده می‌شود، مجریان این امر آن را به‌نظام آموزشی ارتباط می‌دهند و همین باعث شده تا نتوانیم امر تعلیم و تربیت موفق باشیم. معلمان ما خود را محدود به کتاب‌های درسی کرده‌اند؛ اما چه خوب بود اگر در کنار آن درس زندگی به آن‌ها داده می‌شد. آنگاه شاید مردم کمتر بازیچه‌ی دست مردان سیاست می‌شدند و کمتر تحت تأثیر جو حباب مانندی که گاهی برای بازه‌ی زمانی کوتاهی در جامعه ایجاد می‌شود قرار می‌گرفتند و امروز می‌توانستیم ایرانی آبادتر و پیشرفته‌تر را شاهد باشیم... و این مهم دور از دسترس نخواهد بود اگر من و تو از خودمان شروع کنیم...

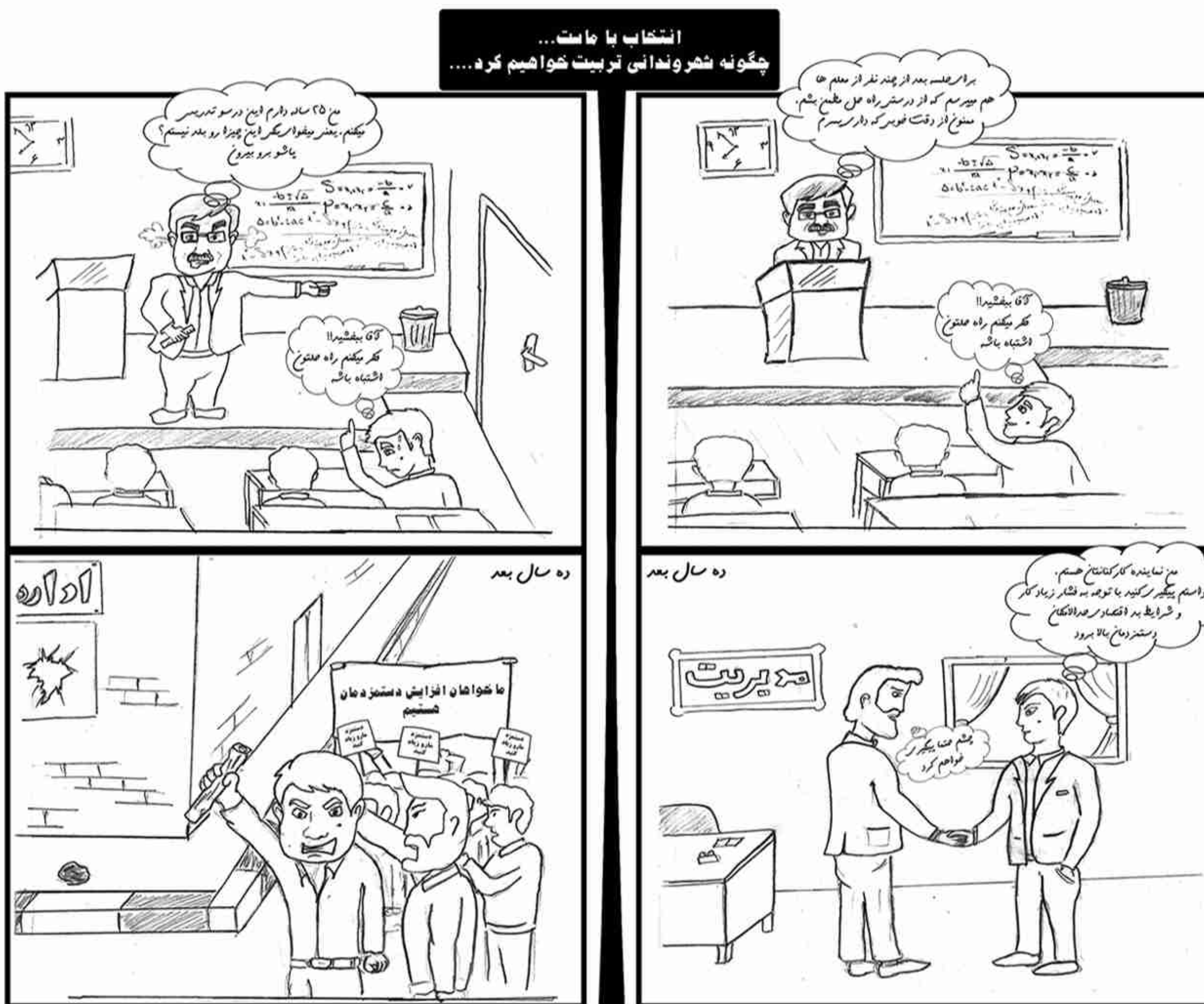
میلاد شریفی

منابع:

آموزش دانش سیاسی، حسین بشریه

تربیت سیاسی در پرتو اندیشه‌های امام خمینی (ره)، غلامرضا احسانی

فصلنامه‌ی راه تربیت، علی‌اکبر عطاران



طراح: علی خیاطیون / تنظیم: مصطفی عادل / ایده پرداز: میلاد شریفی



تحلیل نقاشی کودکان

بسیاری از بی‌نظمی‌های زندگی جوانان امروزی، نتیجه رها شدن نیروی خلاق بالقوه‌ای است که راه‌گریز دیگری ندارد. بدون تردید مدرسه، عامل بسیار مهمی برای پرورش استعداد و تقویت خلاقیت است. نقاشی وسیله بیانی‌گیرا و ممتازی است که می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای در تکامل هوشی و افزایش قابلیت‌ها و رشد نیروی خلاق داشته باشد.

یک سری از نشانه‌ها در نقاشی کودکان مضطرب دیده می‌شود که عبارت بودند از: به کار بستن رنگ سیاه و کشیدن لکه‌های سیاه، کشیدن خطوط بسیار کم‌رنگ یا بسیار پررنگ، آدمک کوچک و استفاده افراطی از رنگ بنفش.

با توجه به نتایج پژوهش‌ها و اهمیتی که اختلالات اضطرابی در دوران کودکی و تأثیری که در دوران‌های دیگر زندگی بر جای می‌گذارند، پیشنهاد می‌شود که به این نشانه‌ها در نقاشی کودکان توجه بیشتری شود و با تشخیص به موقع این کودکان از تأثیرات سوء اضطراب در آینده بر روی آن‌ها جلوگیری به عمل آید.

مهدیه زارع



در این‌که نقاشی کودک ارزش تشخیصی دارد، جای شکی نیست. نقاشی، خطوط، اشکال، رنگ‌ها، ترتیب ترسیم شکل‌ها، محل ترسیم، انعکاس هیجانی کودک در حین ترسیم، می‌تواند اطلاعاتی در خصوص وضعیت عمومی، هیجانی و عاطفی کودک ارائه کند و شمایی کلی از مشکل کودک باشد.

یکی از آزمون‌های ترسیمی جهت شناخت عواطف کودک آزمون نقاشی آدمک (DAP) می‌باشد که توسط مک‌آور در سال (۱۹۴۹) بر اساس آزمون ترسیم آدمک گودیناف به کار برده شد. با بررسی نحوه ترسیم در این آزمون می‌توان به بررسی نشانه‌های اضطراب، تکانه‌ها، اعتماد به نفس، شخصیت و مشکلات رفتاری کودکان پرداخت.

اگر آدمک در مجموع هماهنگ باشد، احتمال بسیاری وجود دارد که کودک کاملاً سازگار باشد؛ اما هنگامی که آدمک در اندازه‌های خیلی کوچک یا گوشه کاغذ ترسیم شود، نشانگر این است که کودک خود را کم‌ارزش می‌پندارد و قادر به برقراری ارتباط مناسب با دیگران نیست؛ و یا اگر آدمک بزرگ ترسیم شود، می‌توانیم حدس بزنیم که با کودکی زود رنج و حساس روبرو هستیم که همیشه فکر می‌کند به او ظلم شده است. کودکان ضعیف و درون‌گرا، اغلب برای آدمک پا نمی‌گذارند، یا او را به حالت نشسته نقاشی می‌کنند و بالاخره کودکان پرخاشگر که آدمک خود را با خطوطی خشک و زاویه‌دار نشان می‌دهند.

ویژگی‌های معلم پرورش‌دهنده خلاقیت

- (۱) فردی انتقادپذیر باشد.
- (۲) تحمل عقاید نو دانش‌آموزان را داشته باشد.
- (۳) از صبر و تحمل بالایی برخوردار باشد.
- (۴) به تفاوت‌های فردی و منحصر به فرد بودن تک‌تک دانش‌آموزان اعتقاد داشته باشد.
- (۵) از انگیزه قوی برخوردار باشد.
- (۶) پذیرای ایده‌ها و نظرات غیرعادی دانش‌آموزان خود باشد.
- (۷) دوستدار هنر و زیبایی‌شناسی باشد.
- (۸) تا حد امکان به دانش‌آموزان خود آزادی عمل بدهد.
- (۹) در چند زمینه مختلف معلومات و مهارت داشته باشد.
- (۱۰) برای هر دانش‌آموز احترام ویژه قائل باشد.

معلم دوستدار خلاقیت:

احساس می‌کنم اگر به دانش‌آموزانم اجازه‌ی اشتباه کردن را بدهم، بزرگ‌ترین چیزها را به آن‌ها آموخته‌ام.

منبع: کتاب کلاس خلاقیت اثر افشین سلیمانی، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، تاریخ انتشار تابستان ۱۳۸۱.

عارفه دهقانی فیروزآبادی.

مربی یا معلمی که می‌خواهد یک کلاس، ویژه‌ی پرورش خلاقیت را اداره کند و یا این‌که علاقه‌مند است در جریان تدریس روزمره خود به طور جدی، پرورش خلاقیت دانش‌آموزان را هم مدنظر داشته باشد، اگر چنانچه از خصوصیات و نگرش‌های ویژه‌ای که با ماهیت و فرآیند خلاقیت مناسبت دارد، برخوردار باشد، مطمئناً در کار خود بسیار موفق‌تر عمل خواهد کرد. البته یک چنین معلمی حتماً لازم نیست که خودش فردی خلاق باشد، اما اگر چنان‌چه شیخاً از مهارت‌های اساسی خلاقیت برخوردار باشد و بتواند عملاً از آن‌ها استفاده کند، بدون شک در پیشبرد و هدایت کلاس و تأثیرگذاری بیش‌تر و بهتر بر دانش‌آموزان خود موفقیت بیشتری کسب خواهد کرد.

برخی ویژگی‌های معلم علاقه‌مند به خلاقیت که داشتن آن‌ها به بازدهی بیش‌تر کلاس و تدریس او می‌انجامد، موارد رو به رو است:





نقش بازی در یادگیری

هر چه دوره‌ی بازی به کودک داده شود مانند دسترسی به وسایل بازی و عوامل طبیعی و هر چه وسایل بیش‌تری برای دستکاری یا وسایلی برای طراحی و نقاشی وجود داشته باشد نسبت به کودکی که کمتر میدان بازی کردن به آن داده شود با سرعت بیش‌تری یاد می‌گیرد و تعامل اجتماعی می‌یابد. همچنین از قدرت هوشی بالاتری برخوردار خواهد بود.

بازی همچنین فرصت‌هایی را برای دانش‌آموز فراهم می‌آورد تا اطلاعاتی را که اساس یادگیری‌های بعدی او را تشکیل می‌دهد از این طریق کسب نماید. برای مثال: از طریق دست کاری جعبه‌های چوبی و مکعب‌ها، به مفهوم تعادل و برابری (یعنی دو مکعب کوچک برابر با یک مکعب بزرگ‌تر است) می‌رسد و یا از طریق آب‌بازی به دانشی در خصوص حجم، دست می‌یابد.

به‌جای این‌که مغز کودکان را از اطلاعات سطحی پر کنیم و در مورد موضوعات مختلفی با آن‌ها حرف بزنیم بهتر است نقش بازی‌ها را جدی بگیریم. با استفاده از این روش نه تنها مفاهیم جدید بلکه ارزش‌های اساسی زندگی در ذهن کودکان نقش می‌بندد. بشر طبیعتاً از تجربیات دیگران بیش‌تر می‌آموزد تا از حرف‌های آن‌ها. برخی از مسائل تنها با تجربه شخصی آموخته می‌شوند. آموختن باید برای کودکان تبدیل به یک سرگرمی شود نه یک وظیفه دشوار.

با زدن یک مثال موضوع را روشن‌تر می‌کنیم. آیا تاکنون فکر کرده‌اید چرا قبل از اینکه کودکان ریاضی را در مدرسه بیاموزند به آن‌ها طریقه استفاده از چرتکه را آموزش می‌دهند؟ در واقع کودکان با استفاده از این ابزار رنگی، عملیات جمع، تفریق، ضرب و تقسیم را می‌آموزند و از این کار لذت می‌برند. یادتان باشد کودکان باید مسائل زیادی را در زندگی بیاموزند و بازی کردن می‌تواند نقش مهمی در این زمینه ایفا کند.

هانی‌ه‌السادات قریشی نسب

بازی مؤثرترین و پرمعناترین راه یادگیری دانش‌آموزان است. در هنگام بازی، دانش‌آموزان فکر می‌کنند، راه‌های تازه‌ای می‌گشایند و همان‌طور که از قوای بدنی خود استفاده می‌برند، قوای فکری خود را نیز به کار می‌برند و در تمام مدت بازی، در یک محیط ثمربخش به تجربه می‌پردازند.

شکی نیست که کودکان از طریق بازی یاد می‌گیرند. برای کودک پیش دبستانی ممکن است هیچ فرقی بین آنچه که بزرگسالان آن را کار تلقی می‌کنند و بازی کودکان وجود نداشته باشد. کمک به پدر و مادر در کارهای خانه یا در باغ و باغچه برای کودک شکلی از یک بازی است که با بازی کردن با اسباب‌بازی‌ها و ... فرقی ندارد.



همچنین بازی می‌تواند پشتیبانی قوی برای فعالیت باشد که کودکان را در موقعیت‌های مختلفی قرار می‌دهد و به آن‌ها فرصت می‌دهد که با رویدادها آشنا شوند. بازی می‌تواند محرکی برای یادگیری اجتماعی باشد چنان‌که وقتی عده‌ای بازی می‌کنند درمی‌یابند که چه چیزی برای آن‌ها خوشایند و چه چیزی ناخوشایند است.





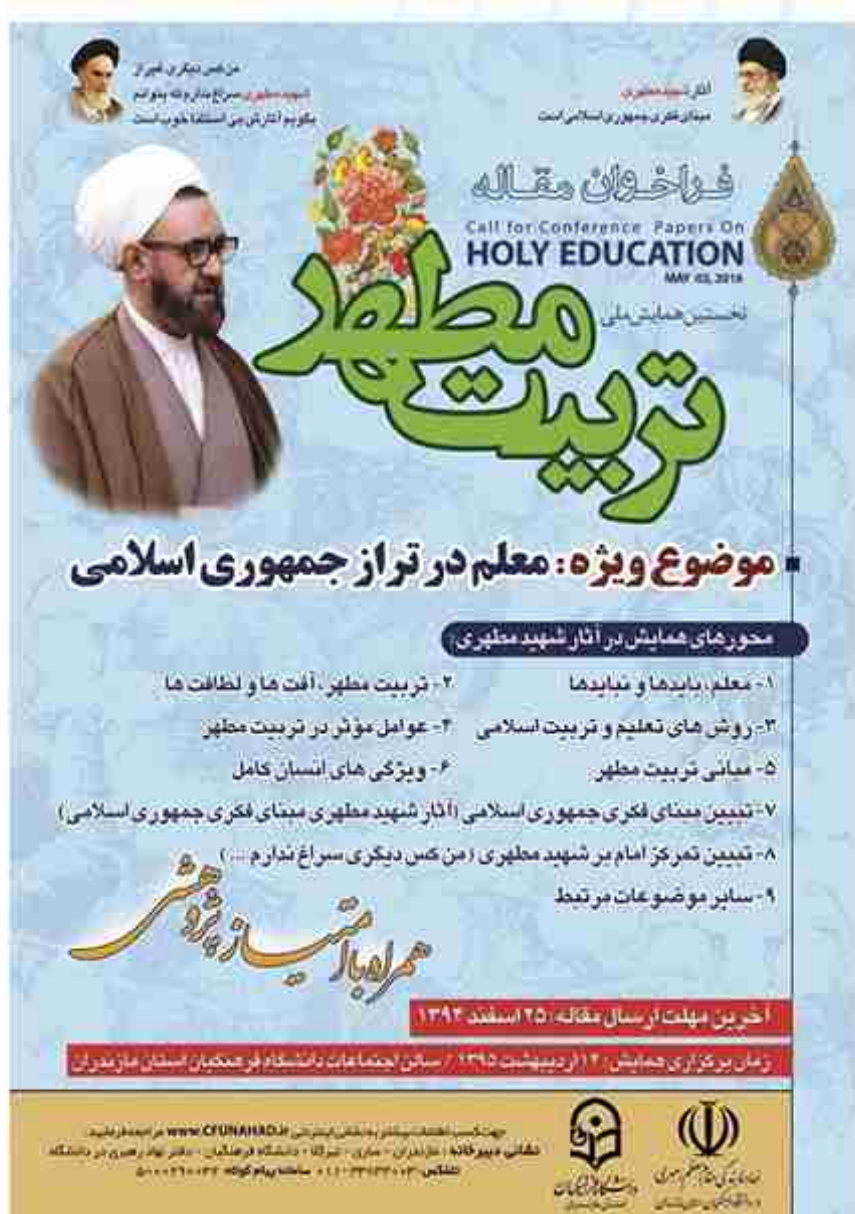
فراخوان



رمان جان شیعه اهل سنت / فاطمه ولی نژاد

همایش ملی تربیت مطهر با محوریت در تراز جمهوری اسلامی
نخستین همایش ملی تربیت مطهر با محوریت معلم در تراز
جمهوری اسلامی در تاریخ دوازدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۵
در سالن اجتماعات دانشگاه فرهنگیان استان مازندران برگزار
می گردد. آخرین مهلت ارسال بیست و پنجم اسفند ۹۴ هست.
موضوعات پژوهش در آثار شهید مطهری:

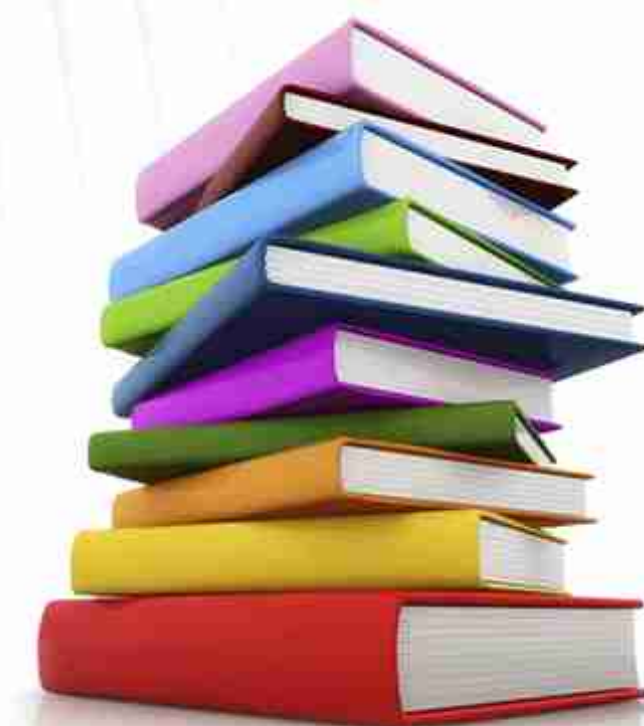
- (۱) معلم، بایدها و نبایدها
 - (۲) تربیت مطهر، آفتها و لطافتها
 - (۳) روشهای تعلیم و تربیت اسلامی
 - (۴) عوامل مؤثر در تربیت مطهر
 - (۵) مبانی تربیت مطهر
 - (۶) ویژگیهای انسان کامل
- تاریخهای مهم:
شروع ارسال مقالات ۹۴/۱۰/۱
مهلت ارسال مقالات ۹۴/۱۲/۲۵
تاریخ برگزاری کنفرانس ۹۵/۰۲/۱۲
مکان برگزاری: بابل



تلفن دبیرخانه همایش: ۰۱۱۳۲۲۰۴۵۹۷
نمابر: ۰۱۱۳۲۲۰۴۵۹۷
وبسایت: sep2016.ir
ایمیل: kome.e.a.d[at] gmail.com

زهرا عبدلی

دمی با شهزاد



طبیعتاً نوع اول، به ویژه کسانی که یک بار طعم شکست عشقی
را چشیده‌اند و مهم‌ترین عامل شکست آن‌ها همین مسئله، یعنی
محدودیت‌های اجتماعی بوده است. یعنی اختلاف دیدگاه بین خانواده
و فرزندان، یا بهتر است بگوییم تعریفی که نسل کنونی از ازدواج دارد
و تعریفی که نسل قبلی از ازدواج داشته است. در این فیلم زندگی دو
بعد دارد زندگی در قالب جسم و زندگی در قالب دل، جسم پیش یکی
و دل پیش دیگری....

مجتبی خلیلی



شهرزاد، سریالی است که این روزها بین افراد جا باز کرده است.
کارگردان این فیلم حسن فتحی است و کار قبلی این کارگردان
سریال مدار صفر درجه، هنوز که هنوز است، جذابیت خود را
دارد و می‌توان گفت مدار صفر درجه یکی از کارهای موفق حوزه
سریال ایران بوده و هست.

در این نوشتار، نویسنده قصد دارد نکات کوتاهی را درباره این
سریال مطرح کند و نوشته را با این سؤال آغاز می‌کند که
مخاطب اصلی این سریال چه کسانی هستند؟ یعنی چه کسانی
پای این سریال می‌نشینند؟

هرچند که فیلم‌هایی با بستر عاشقانه را اکثریت اقشار می-
پسندند ولی نحوه پخش این فیلم (باقیمت ۲۰۰۰ تومان و انتشار
آن در فضای اینترنت) نشان می‌دهد که این فیلم مخاطب اصلی
خود را جوانان قرار داده است. برداشت نویسنده این است که
در این فیلم، اختلاف دیدگاه زیادی بین نسل جوان (شهرزاد،
فرهاد و...) با نسل قبل از خود (پدر و مادر) وجود دارد و دیدگاه
هر یک را نسبت به ازدواج و عشق و عاشقی بیان می‌کند. نسل
جوان، ازدواج را ازدواجی می‌داند که دل‌ها به هم گره بخورند و
نسل قدیم ازدواج را روی کاغذ و خواندن صیغه عقد می‌داند. حال،
این پیام به نسل جدید منتقل می‌شود که از نظر شما کدام نوع
را، ازدواج واقعی می‌دانند؟ ازدواج دلی یا ازدواج روی کاغذ؟



سهم ما از نزولات آسمانی کم است

نگذارید لب های زمین تشنه بماند

للفتحة
معدن بولاق
الحمل
والأولاد
والأولاد
والأولاد